

Damage Cycle; Comprehensive Model for Identification and Exposure to Social Injuries

Ali Akbar Davaei*

PhD Modarresi Islamic Education, Theoretical Foundations of Islam, Expert of the Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution, Tehran

Email: akdavaei@gmail.com

Abstract

Social injuries are one of the most complex social phenomena; Both in identification and in confrontation; Therefore, it needs correct and comprehensive measures to identify and deal with it. It is necessary to look at injuries from different angles but it is insufficient and we need comprehensive analytical models to integrate approaches. What we are looking for in this article, assuming the nature of injuries and the Islamic basis in it, we seek to aggregate the factors and contexts of social injuries from different external and internal aspects with a different impact share in a comprehensive model. Accordingly, first the effective factors in the occurrence of injuries in the form of injury activity cycle and different levels of this cycle from the simplest to the most complex form (in the form of opposition front or advanced organized crime) are drawn; Then, the model becomes a matrix for identifying and analyzing the damaged factors, which according to the level or position of the agent and the role of the agent in the incidence of injury and the index of the agent, to identify the types of factors causing the injury and finally the prescribed matrix in the field of exposure Social injuries are depicted separately by the factors influencing the formation of the injury cycle; In such a way that the strategy and strategy of dealing with injuries are considered separately for the factors involved in the injury and in the matrix of other effective factors in choosing the means of coping and the type of coping and the purpose of coping with the injury is modeled according to the injury factors.

Keywords: Damage cycle, Traumatic factors, Traumatic factors, Vulnerable factors, Opposition front model, Descriptive matrix, Prescription matrix.

*. Date of Reception: 2020/04/29 , Date of Acceptation: 2020/07/15

چرخه آسیب؛ مدلی جامع برای شناسایی و مواجهه با آسیب‌های اجتماعی

علی اکبر دواپی *

دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش مبانی نظریه اسلام، کارشناس دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران

Email: akdavaei@gmail.com

چکیده

آسیب‌های اجتماعی از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی است؛ هم در شناسایی و هم در مواجهه؛ لذا نیازمند تدابیری صحیح و همه جانبه در مقام شناسایی و برخورد با آن می‌باشد. نگاه به آسیب‌ها از زوایای مختلف لازم ولی ناکافی است و برای تجمیع رویکردها نیازمند مدل‌های تحلیلی جامع هستیم. آنچه در این مقاله به دنبال آن هستیم با مفروض داشتن ماهیت آسیب‌ها و مبنای اسلامی در آن به دنبال تجمیع عوامل و زمینه‌های بروز آسیب‌های اجتماعی از جنبه‌های مختلف بیرونی و درونی با سهم تأثیر متفاوت در مدلی جامع هستیم. بر این اساس ابتدا عوامل مؤثر در بروز آسیب‌ها در قالب چرخه فعالیت آسیب و سطوح مختلف این چرخه از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین شکل آن (در قالب جبهه معارض یا جرایم سازمان‌یافته پیشرفته) ترسیم شده؛ سپس مدل مذکور، تبدیل به ماتریسی برای شناسایی و تحلیل عوامل آسیب شده که با توجه به سطح یا جایگاه عامل و نقش عامل در بروز آسیب و شاخص وجود عامل، به شناسایی انواع عوامل موجب بروز آسیب شده است و درنهایت ماتریس تجویز در حوزه مواجهه با آسیب‌های اجتماعی به تفکیک عوامل مؤثر در شکل‌گیری چرخه آسیب ترسیم شده است؛ به‌طوری که راهبرد و راهکار مواجهه با آسیب‌ها را به تفکیک عوامل دخیل در آسیب مدنظر قرار می‌گیرد و در ماتریسی دیگر عوامل مؤثر در انتخاب ابزار مقابله و نوع مقابله و هدف مقابله با آسیب به تناسب عوامل آسیب مدل‌سازی می‌شود.

کلیدواژه: چرخه آسیب، عوامل آسیب‌زا، عوامل آسیب‌دیده، عوامل آسیب‌پذیر، مدل جبهه معارض، ماتریس توصیف، ماتریس تجویز.

مقدمه

آسیب‌های اجتماعی از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی است؛ هم در شناسایی و هم در مواجهه با آن؛ افزون این‌که از حساس‌ترین پدیده‌های اجتماعی است؛ هم از منظر حساسیت‌های عوامل و زمینه‌سازان آن و هم از منظر حساسیت‌های مواجهه گران با آن؛ کلاف سردرگم آسیب‌ها که عوامل آن بعضاً با انگیزه‌های مختلف در سطوح مختلفی از عاملیت به تولید آگاهانه یا ناآگاهانه یا نیمه آگاهانه آسیب‌ها مبادرت می‌ورزند و حتی ارتباط تولیدی میان آسیب‌ها که مزید بر علت می‌شود، نیازمند تدابیری صحیح و همه‌جانبه است تا ضمن تفکیک میان عوامل و انگیزه‌های آن، این کلاف آهسته‌آهسته از هم بازشده و برای سطوح مختلف آن به تناسب چاره‌جویی شود.

تحقیقات موجود هرکدام به جنبه‌ای از این کلاف پیچیده اشاره داشته و سعی در باز کردن آن دارند، اما به نظر می‌رسد نگاه از زوایای مختلف لازم ولی ناکافی است و برای تجمیع این نگاه‌ها نیازمند مدل‌های فرا تحلیل برای تجمیع و تنظیم ابزارهای شناسایی و مواجهه با آسیب‌ها هستیم.

سؤال اصلی این تحقیق عبارت است از: عوامل اصلی در بروز آسیب‌های اجتماعی کدام است؟

با تقسیم عوامل بروز آسیب‌ها به درونی و بیرونی یا فاعلی و قابل می‌توان سؤال اصلی را به‌طور دقیق‌تر به این شرح تنظیم نمود: عوامل اصلی در بروز آسیب‌های اجتماعی بیرونی است یا درونی؟ یعنی آیا در فرایند انتقال یک آسیب، عوامل درونی در فرد آسیب‌پذیر نقش اساسی را ایفا می‌کند یا عوامل بیرونی تحمیلی از سوی فرد آسیب‌زا و به عبارتی کوتاه‌تر در فرایند انتقال یک آسیب مقصر اصلی فرد آسیب‌زا است یا فرد آسیب‌پذیر؟

فرض این تحقیق بر آن است که همه عوامل فاعلی و قابل در گستره تنوعی بالا در بروز و تشدید یک آسیب مؤثر هستند؛ لذا به جای تفکیک این عوامل و پرداختن تک‌بعدی به آن؛ بهتر است با نگاهی واقع‌بینانه در مدلی جامع تمام عوامل بروز آسیب اعم از درونی و بیرونی موردتوجه قرار گیرد و برای هرکدام سهم تأثیر مشخص شود؛ بنابراین در این پژوهش سعی بر آن است تا به اجمال عوامل مؤثر در بروز آسیب‌ها را در قالب چرخه فعالیت آسیب و سطوح مختلفی که برای عوامل آن متصور است از میدانی‌ترین سطح که حداقلی بوده و در همه چرخه‌های آسیب یافت می‌شود تا عمیق‌ترین و خطرناک‌ترین سطح که سطح حداکثری بوده و در چرخه‌های تمامیت یافته آسیب به‌عنوان جبهه معارض یا جرائم سازمان‌یافته پیشرفته یافت می‌شود دیده و ضمن شناسایی و تحلیل طیف چرخه‌های آسیب، مقدمات باز کردن کلاف آسیب‌ها را در عمل، مدل‌سازی نموده، راهکارهای مواجهه با آسیب‌ها را در این مدل طبقه‌بندی کند تا با توجه به عوامل مختلف آسیب و به تفکیک سطوح و جنبه‌های مختلف چرخه آسیب تمامیت یافته، از تحقیقات موجود نظری و میدانی و کاربردی در چارچوب مدلی جامع و انضمامی ناظر به میدان آسیب بهره‌گیری نماید.

کاوشی اجمالی در پیشینه پژوهش

از آنجاکه این مطالعه به‌منظور دست یافتن به مدلی جامع برای شناسایی و تحلیل و تجویز در حوزه آسیب‌های

اجتماعی سامان یافته است، لذا در پیشینه باید تلاش شود مطالعاتی که دارای جامعیت از جنبه یا جنبه‌های مختلف هستند بررسی شود؛ لیکن قبل از آن به جمع‌بندی اجمالی مجموعه تلاش‌هایی پرداخته شده است که از منظرهای مختلف برای شناخت و مواجهه با آسیب‌های اجتماعی از سوی محققین مختلف، موردبررسی قرار گرفته است؛ زیرا رویکرد جامع، افزون بر مطالعات فراتحلیلی یا دارای نگرش جامع، باید رویکردهای مختلف به آسیب‌های اجتماعی را مدنظر داشته باشد تا بتواند از آن به‌عنوان چراغ راهی برای مطالعات جامع و کلان بهره برد.

۱. رویکردهای مختلف به آسیب‌های اجتماعی

با نگاهی اجمالی به پژوهش‌های انجام‌شده، می‌توان این پژوهش‌ها را بر اساس مفهوم شناسی، روشی و رویکردهای تبیینی و راهکارهای مواجهه با آسیب‌ها و عوامل و زمینه‌های مؤثر دسته‌بندی کرد:

الف) از منظر مفهوم شناختی: پژوهش‌ها را می‌توان از منظر مفهوم شناختی و نوع نگاه به چیستی مسئله طبقه‌بندی کرد. فارغ از عام‌ترین مفهوم تحت عنوان «آسیب اجتماعی» عناوین دیگر بنا به دلایل خاص بر این‌گونه مسائل اطلاق شده است؛ آثار مختلف بر عناوینی مانند: کج‌روی، اختلال هنجاری، نظام گسیختگی اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی، ناهمخوانی و ناهنجاری، جرم، جنایت، بزه، مسئله اجتماعی، انحراف اجتماعی؛ مسائل اجتماعی (برای نمونه ر. ک به سلیمی و داوری، ۱۳۸۷) تأکید دارند.^۱ به‌طورکلی شاید بتوان فصول ممیزه آسیب‌های اجتماعی را در دو بعد فردی و اجتماعی (و در بعد اجتماعی به سه دسته شناختی، هنجاری و رفتاری) تقسیم نمود.

ب) از منظر رویکرد نظری: پژوهش‌ها را می‌توان برحسب رویکرد نظری در تبیین آسیب‌ها طبقه‌بندی کرد. در این میان برخی پژوهش‌های تبیینی تأکید بر تبیین‌های گزینشی دارند (برای نمونه ر. ک به: Siegel, 1998, p. 124). به نقل از سلیمی و داوری، (۱۳۸۷) که افزون بر مکاتب کلاسیک، می‌توان به منابعی با رویکردهای گزینش عقلانی، زیست‌شناختی، ژنتیکی، روان‌شناختی، شناختی، الگوهای نارسایی شخصیت و نظریات انگیزشی در حوزه تبیین‌های فردی اشاره کرد. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، صص ۲۷۲-۳۱۹) در حوزه تبیین‌های جامعه‌شناختی (برای نمونه ر. ک به: بودون و بوریگاد، ۱۳۷۷، صص ۳۱-۳۸؛ رودلف طوبی، پبله‌ور، ۱۳۵۶، صص ۱۲۸-۱۳۵، رفیع پور،

۱. کج‌روی (برای نمونه ر. ک به سلیمی و داوری؛ ۱۳۸۷)، اختلال هنجاری (برای نمونه ر. ک به: چلبی، ۱۳۷۵؛ صص ۱۱۲-۱۱۹)، نظام گسیختگی اجتماعی (برای نمونه ر. ک به: رودلف طوبی؛ پبله‌ور؛ ۱۳۲-۱۳۴)، بی‌سازمانی اجتماعی (Wrightsmann, 1998, p. 105 به نقل از سلیمی و داوری؛ ۱۳۸۷)، ناهمخوانی (روشه؛ ۱۳۶۷؛ صص ۱۸۴-۱۸۹؛ به نقل از سلیمی و داوری؛ ۱۳۸۷) و ناهنجاری (برای نمونه ر. ک به: Cohen, 1968, p. 148)، جرم (برای نمونه ر. ک به: بودون و بوریگاد، ۱۳۷۷، صص ۳۱-۳۸ و اردبیلی؛ ۱۳۶۸)، جنایت (برای نمونه ر. ک به: بست؛ وحید، ۱۳۷۲)، بزه (برای نمونه ر. ک به: توجی، ۱۳۸۳، صص ۶۱۴-۶۴۶)، مسأله اجتماعی (برای نمونه ر. ک به: کنیک؛ ... صص ۳۴۵-۳۴۶)، انحراف اجتماعی (برای نمونه ر. ک به: صدیق سروسستانی؛ ۱۳۸۳)؛ مسائل اجتماعی (سوختانلو و نظری؛ ۱۳۹۴)

۱۳۷۸؛ صدیق سروسنانی، ۱۳۸۳) می‌توان به تفکیک رویکردهای ساختی - کارکردی، خرده‌فرهنگی و تضاد، شامل رویکردهای کلاسیک و معاصر چون جرم‌شناسی تضاد (با الگوهای مناسبات قدرت و مقاومت هنجاری و واقعیت اجتماعی جرم) و جرم‌شناسی رادیکال (مارکسیسم ابزاری و ساختاری و چپ) و نظریه‌های فمینیسمی تضاد (مارکسیسم فمینیسم و فمینیسم رادیکال و فمینیسم سوسیالیست) را مورد اشاره قرار داد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ص ۳۱۹-۳۸۷) و در نهایت، در حوزه تبیین‌های روان‌شناختی اجتماعی که در میانه رویکردهای فردی و اجتماعی قرار می‌گیرد (برای نمونه ر. ک به: کاری یو، نجفی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۷-۳۰۴ و Wrightsman, 1998, p. 105) در این حوزه نیز رویکردهایی مانند رویکرد کنترل (شامل الگوهای کنترل اجتماعی، مهار، آیزنک)؛ رویکرد یادگیری (شامل الگوهای هم‌نشینی افتراقی، تقویت افتراقی، یادگیری اجتماعی، یادگیری - سرشتی)؛ رویکرد کش متقابل (الگوهای خودآینده‌ای، نقش اجتماعی، برچسب‌زنی)، رویکرد پدیدارشناختی (شامل الگوهای خنثی‌سازی و فریبندگی جرم) را می‌توان نام برد. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ص ۳۹۰-۴۳۳)

ج) از نظر نوع مواجهه با آسیب‌ها: رویکردها معمولاً منطبق با رویکردهای تبیینی بوده و برحسب نوع تبیین، تجویز نیز صورت می‌پذیرد، اما می‌توان به‌طور کلی به رویکردهای امنیتی انتظامی در برخورد با عوامل آسیب‌زا به‌ویژه در جرائم سازمان‌یافته (برای نمونه ر. ک به حاجیانی، ۱۳۸۸) و رویکردهای حمایتی و درمانی در مواجهه با افراد آسیب‌دیده و بزه‌دیده (برای نمونه ر. ک به: ویانو، مهار، بهار تا پائیز ۱۳۷۶، ص ۴۳۲-۴۵۷؛ توجهی، ۱۳۸۳، ص ۶۱۴-۶۲۶) و رویکردهای پیشگیرانه (برای نمونه ر. ک به: میرخلیلی، ۱۳۸۸؛ رزنام دنیس، پرویزی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷-۱۷۲؛ وگسن، نجفی، ۱۳۷۶، ص ۶۰۵-۶۳۰ و ۹۸؛ جعفری روشن، ۱۳۹۴) در حوزه‌های پیشی و گرایشی و رفتاری به‌طور کلی اشاره نمود.

د) از منظر تأکید بر عوامل و زمینه‌های بروز آسیب‌ها: پژوهش‌ها را می‌توان برحسب رویکرد نظری در تبیین آسیب‌ها طبقه‌بندی کرد. (برای نمونه ر. ک به سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵-۲۵۷؛ سوختانلو و نظری، ۱۳۹۴) در برخی پژوهش‌ها تأکید بر عوامل آسیب‌زا به‌عنوان فاعل و پدید آورنده اصلی آسیب است و بر انحاء مواجهه و مقابله با این عوامل تأکید دارند که خود به چند دسته تقسیم می‌شود؛ اعم از عوامل راهبر و ستادی و میدانی در جرائم سازمان‌یافته، آسیب دیدگاه آسیب‌زا، ذینفعان اقتصادی، سیاسی و...؛ برخی پژوهش‌ها نیز با تأکید بر عواملی که دچار آسیب شده‌اند، رویکردی درمانی یا آسیب زدا دارند؛ برخی مطالعات نیز بر زمینه‌ها و ویژگی‌های زمینه‌ساز آسیب تأکید داشته و رویکردی پیشگیرانه اتخاذ کرده‌اند. (برای نمونه ر. ک به: الوزی دفریت، ۱۹۹۷) البته تفکیک فضای مجازی از فضای فیزیکی هم در بررسی عوامل و زمینه‌های بروز آسیب‌ها در مطالعات دیده می‌شود. (برای نمونه ر. ک به: جعفری، اعتمادی و عاصمی، ۱۳۹۵؛ شعاع کاظمی و مومنی جاوید، ۱۳۹۳)

از آنجاکه رویکرد جامعی به‌ویژه در رابطه با عوامل و زمینه‌های بروز آسیب‌ها یافت نشد، این مقاله درصدد دستیابی به مدلی جامع با تأکید بر عوامل و زمینه‌های بروز آسیب‌ها به‌منظور تجمیع و طبقه‌بندی و تحلیل داده‌ها در

توصیف، تبیین و تجویز نوع مواجهه با عوامل گوناگون آسیب‌های اجتماعی است.^۱

۲. نگاه‌های مبنایی

زاویه نگاه‌هایی که تقسیمات بالا را جهت می‌دهند، تعبیر به نگاه‌های ریشه‌ای شده است. این نگاه‌ها قابلیت آن را دارد تا از رویکردهای گوناگونی که در بالا اشاره شد، از زاویه مبنایی یا پارادایمی نظر کند. در اینجا تنها سه نگاه مبنایی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) نگاه جاری مکاتب مدرن که در بالا به تفصیل به آن‌ها اشاره گردید و اغلب با شیوه تجربی به بررسی موضوع پرداخته‌اند.

ب) نگاه از زاویه یکی از اصلی‌ترین مفاهیم متضاد آسیب‌های اجتماعی، یعنی نظم اجتماعی که به نوعی بیش از نگاه تجربی به عقل متکی است.

ج) نگاه از زاویه دین و به‌ویژه مکتب اسلام که از منظر وحی الهی به موضوع می‌پردازد، اما دو نگاه اخیر به اندازه نگاه اول مورد اهتمام قرار نگرفته است.

در این میان، تلاش‌هایی که در چارچوب دینی و اسلامی و حتی از منظر سایر ادیان مانند مسیحیت در حال انجام است و نمایانگر دغدغه‌های اجتماعی ادیان و پرتو افکندن از زاویه عقلانیت دینی به مقوله آسیب‌های اجتماعی است؛ تلاش‌هایی در حوزه آسیب‌های اجتماعی از مفهوم شناسی تا تبیین و تجویز از منظر منابع دینی و به‌ویژه دین اسلام صورت گرفته است (برای نمونه ر. ک به داوری اسلیمی، ۱۳۹۵؛ علیزاده، ۱۳۹۱؛ خسروشاهی، ۱۳۹۳) که به‌رغم پراکنده بودن، بیشتر در حوزه پیشگیری متمرکز شده است؛ البته این مطالعات منحصر به دین

۱. تقسیمات دیگری از منظر روشی یا مصداق شناسی یا اقشار اجتماعی به آسیب‌های اجتماعی داشت؛ برای نمونه:

الف) از منظر روشی: مطالعات را می‌توان از نظر روشی نیز به چند دسته تقسیم نمود: مطالعات عمیق شامل مشاهده مستقیم، گلوله برفی، موردی، مشاهده خاص در مراکز مخصوص و مشاهده مشارکتی و مطالعات گسترده شامل پیمایش‌های خودگزارشی و بزه‌دیدگی و منابع غیر مستقیم مانند مراجعه به آمارهای رسمی و... (Downes & Rock, 1998, p. 25-56 / Siegel, 1998, p. p 47-51 & 19-21)

ب) از منظر انواع و مصادیق آسیب‌ها: برخی مطالعات به یک آسیب پرداخته است و برخی مطالعات دیگر به دو یا چند آسیب اجتماعی پرداخته‌اند. مانند آسیب‌های خانواده (برای نمونه ر. ک به: فرجاد؛ ۱۳۶۹؛ سوختانلو و نظری؛ ۱۳۹۴ و اکبری ابوالقاسم و مینا اکبری؛ ۱۳۹۰)

ج) از منظر اقشار خاص: برخی مطالعات بیشتر روی اقشار کودک و نوجوان و جوان و زنان تأکید می‌شود و در برخی آسیب‌ها و جرائم مانند اعتیاد و خشونت‌های خاص بدون نام بردن علی القاعده می‌توان در مقطعی خاص ادعا نمود بیشتر تأکید بر مردان میان سال در تحقیقات بوده است. (برای نمونه ر. ک به: مرتضوی؛ ۱۳۷۵-۱۳۷۶)

اسلام نبوده و در سایر ادیان نیز پیشینه‌ای جدی دارد. برای نمونه، می‌توان به آثار رادنی استارک و ویلیام سیمز بن بریج وتی. دیوید، ایوانز اشاره کرد (برای نمونه ر. ک به سلیمی، بهار ۱۳۷۹، ص ۱۷۰-۱۹۴؛ و تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۴۲-۱۷۹) و امید می‌رود با تجمیع این مطالعات بتوان با رویکردی کاملاً اسلامی در مبانی و نظریه‌پردازی و در نتیجه تبیین‌های دقیق آسیب‌های اجتماعی، بتوان به شناخت درست و روشمندی در مواجهه صحیح با آسیب‌های اجتماعی رسید. برخی از منابعی که در این زمینه به‌طور مستقل تدوین یافته است عبارت است از:

۳. رویکردهای تلفیقی

در حوزه آسیب‌های اجتماعی وجود دارد. که بیشتر جنبه تلفیق روشی یا تلفیق نظری یا تلفیق علل و عوامل آسیب‌ها موردنظر بوده است؛ ازجمله:

۳-۱. تلفیق نظریات (تبیین‌های تلفیقی)

الگوهای تبیینی تلفیقی، شامل تلفیقی از متغیرهای متفاوت است. از تبیین‌های تلفیقی متقدم می‌توان به الگوی نظام‌های کنش پارسونز، الگوی نوجوانان بزهکار آلبرت کوهن، الگوی خنثی‌سازی سایکس و ماتزا و الگوی طبقات فرودست، طبق روایت موری و هرشتاین اشاره داشت و از تبیین‌های تلفیقی معاصر نیز به نظریه‌های چندعاملی و نظریه‌های خصلت نهفته و نظریه‌های روند حیات پرداخت. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ص ۴۳۴-۴۳۶) نمونه‌ای از این تلفیق‌ها متعلق به کتاب روان‌شناسی و نظام قضایی در تبیین تکرار جرم‌های خشن است که در جهت یکپارچه کردن تبیین‌های موجود به متغیرهای اثرگذار در چهار مرحله از زنجیره رشد پرداخته است و متکی بر انواعی از اصول سبب‌شناختی مستندترین یافته‌های جرم‌شناختی را تحلیل کرده است. نمودار زیر (Wrightsmann, 1998, p. p) 125-128 به نقل از سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ص ۴۳۶ و ۴۳۸)

۳-۲. تلفیق عوامل

به دلیل کاستی‌ها و نقایصی که در نگاه‌های تک‌بعدی یا چندبعدی به عوامل آسیب وجود داشت؛ تلاش‌هایی تلفیق نگر صورت گرفته است که سعی دارد با تلفیق نگاه‌ها، به روشی تلفیقی دست یابد. البته این روش جامعیت کافی برخوردار نبوده به این معنا که تنها در حوزه‌ای خاص که بیشتر از زاویه پیشگیری روی عوامل و زمینه‌های آسیب‌پذیر متمرکز شده است؛ برای نمونه، کاری که عزت عبدالفتاح در کتاب فهم بزه‌دیدگی از جرم: مقدمه‌ای بر بزه‌دیده‌شناسی نظری انجام داده است و سلیمی و داوری در کتاب جامعه‌شناسی کج‌روی خود دو فصل ۱۱ و ۱۲ آن را با عناوین «رفتار بزه‌دیده به‌عنوان یک متغیر موقعیتی» و «تبیین‌های کلان از متغیرهای بزه‌دیدگی جرم» گزارش کرده‌اند، نمونه خوبی از این‌دست فعالیت‌های تحلیلی است. عبدالفتاح ابتدا در فصل ۱۱ به تبیین‌های موقعیتی بزه‌دیدگی از منظر الگوی پویای کنش متقابل و در پاسخ به این پرسش می‌پردازد که چرا فقط برخی از مردم در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند.

در این بخش وی سعی در کشف نقش بزه‌دیده در روابط طولی علی معلولی آسیب‌دیدگی دارد؛ لذا به تشریح ابعاد مختلف نقش‌آفرینی بزه‌دیده در وقوع جرم می‌پردازد که شامل بی‌ملاحظگی و شتاب‌زدگی (محدود به رفتار آگاهانه، عمدی و فعال بزه‌دیده و به معنای معامله با مجرم)، مساعدت مبتنی بر مشارکت در جرم، مساعدت مبتنی بر رفتارهای تسهیل‌کننده کج‌روی و درنهایت رفتارهای مؤثر بزه‌دیده در وقوع جرم به‌ویژه شامل وسوسه، پیش‌قدمی، ترغیب می‌شود.

عبدالفتاح در فصل ۱۲ به تبیین‌های کلان و متغیرهای بزه‌دیدگی می‌پردازد. وی ابتدا به تراکم خطر بزه‌دیدگی در محیط‌های خاص پرداخته و سپس به تبیین‌های کلان ذیل دو الگوی شیوه زندگی و فعالیت‌های روزمره و تلفیق دو الگوی قبل تحت عنوان الگوی فرصت می‌پردازد. از آنجاکه الگوهای مذکور (در دو فصل کتاب یاد شده) به‌رغم اطلاعات غنی که ارائه می‌کنند، دچار کاستی و نقص هستند؛ عبدالفتاح مؤلفه‌های آن‌ها را ذیل عنوان «تبیین احتمالات متفاوت خطر در بزه‌دیدگی مجرمانه» تلفیق می‌کند. سرفصل‌های ذیل این عنوان که طبقه‌بندی ایشان از مؤلفه‌های تلفیق یافته را تشکیل می‌دهند عبارت‌اند از: فرصت‌ها (تبیین توزیع نامنظم جرم)؛ عوامل خطرساز؛ شمار مجرمان انگیزه دار؛ در معرض بودن؛ هم‌نشینی؛ رفتارهای خطرناک؛ فعالیت‌های پرخطر؛ رفتارهای پیشگیرانه؛ رفتارهای دفاعی؛ آمادگی‌های ساختاری و فرهنگی. (Abdelfattah Ezzat, 1991؛ به نقل از: سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ص ۲۵۸-۲۶۴)

نگاه‌های اخیر خواه ریشه‌ای و خواه تلفیقی، نگاه‌هایی بالنسبه دارای جامعیت نسبت به نگاه‌های اولی بوده و نمایانگر آن هستند که نباید روش‌ها و نظریات را جدا از هم در نظر داشت و نباید میان بزه‌کار و قربانی او (اعم از قربانی بالقوه یا بالفعل) تفکیک قائل شد؛ البته حداقل درسته تحلیل و باید میزان تأثیر عوامل مختلف در وقوع آسیب و نوع ارتباط آن‌ها به‌طور کامل بررسی و در مدلی جامع بازشناسی شود.^۱

مفهوم آسیب

۱. مفهوم شناسی

در مطالعه بر پدیده‌های ناظر به آسیب‌شناسی اجتماعی، مانند هر پدیده انسانی اجتماعی دیگر، تعریف دارای

۱. انواع دیگر تلفیق را نیز می‌توان برشمرد که به منظور اطلاع کلام در این مجال ذکر نگردیده است؛ از آن جمله، تلفیق روش‌ها: شیوه‌های تلفیقی در مطالعات با آمیزش روش‌های بررسی اسناد رسمی و پیمایش‌های خودگزارشی و بزه‌دیدگی و... با انواع منابع دست دوم، به گسترش تور روشی که بر داده‌ها افکنده می‌شود می‌پردازند. برای نمونه تلفیق روشی در کار بالدورین و پاتمر را با عنوان «حمله بزرگ و جامعه شناختی» می‌توان نام برد که در مطالعه‌ای با نام طرح شفیلد آن را در خصوص شهر شفیلد اجرا کردند، Baldwin & Bottoms (1976) به نقل از سلیمی و داوری؛ ۱۳۸۷؛ ص ۳۴.

جایگاه مهمی و جهت دهنده مطالعات است، اما تعریف پدیده‌های انسان ساخته‌ای مانند آسیب‌های اجتماعی، دارای ویژگی‌ها و الزاماتی از قبیل موارد زیر است:

۱. تعریف باید مفهومی باشد نه حدی؛ زیرا مفاهیم ناظر به مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی، همه از سنخ مفاهیم فلسفی، اعتباری و انتزاعی‌اند (شریفی، زمستان ۱۳۹۷، ص ۹۷-۱۲۰).
 ۲. تعریف باید سنجش پذیر باشد؛ زیرا می‌باید به کارآمدی، واقع‌بینانه بودن، مشکل‌گشا و راهبری تعاریف ارائه شده توجه کرد (شریفی، زمستان ۱۳۹۷، ص ۹۷-۱۲۰).
 ۳. تعریف باید جامع‌ومانع یا همه‌جانبه باشد؛ زیرا تعاریف تک‌بعدی ما را از شناخت واقعیت پدیده مورد مطالعه دور می‌سازند (شریفی، زمستان ۱۳۹۷، ص ۹۷-۱۲۰).
 ۴. تعریف باید ناظر به نظام باورها و ارزش‌های خاص باشد. بر این اساس، از نگاه یک محقق مسلمان، هر رفتار اجتماعی که از هنجارها و آموزه‌های اسلامی زاویه داشته باشد، نوعی آسیب است. به همین دلیل، برای یک محقق مسلمان، هنجارهای جهانی، تا جایی که مطابق با اسلام و مورد قبول فکر اسلامی باشند، مورد توجه هستند و جایی که تعارضی میان آن‌ها باشد، او هرگز مطالعات خود را بر اساس نرم‌های مورد قبول دیگران، سامان نخواهد داد (شریفی، زمستان ۱۳۹۷، ص ۹۷-۱۲۰).
- بر اساس ویژگی چهارم می‌توان مقیاس آسیب را نیز تعریف کرد؛ بنابراین، مصداق‌شناسی آسیب‌های اجتماعی در جوامع مختلف، متفاوت است؛ زیرا مقیاس آسیب در هر جامعه‌ای، بر اساس دوری و فاصله از هنجارها و ارزش‌های پذیرفته آن جامعه تعیین می‌شود. بر این اساس، آسیب‌های اجتماعی از نگاه اسلام و در یک جامعه اسلام‌پسند، با آسیب‌های اجتماعی در یک جامعه سکولار یا غیردینی، متفاوت خواهد بود (شریفی، زمستان ۱۳۹۷، ص ۹۷-۱۲۰).
- بر اساس چهار ویژگی اعتباری بودن، سنجش پذیری، جامعیت و ارزشی بودن تعریف در پدیده‌هایی که اراده انسانی در ایجاد آن دخیل است، می‌توان آسیب‌های اجتماعی را چنین تعریف کرد:
- آسیب اجتماعی به اختلالی در جامعه اطلاق می‌شود که جامعه را از جهت هنجاری از حالت تعادل در گستره‌ای خاص خارج می‌کند و یا به اختلالی گفته می‌شود که افراد دارای قابلیت پذیرش، در بستر اجتماع و روابط اجتماعی به آن متصف شده‌اند.
- اصطلاح آسیب در مقابل سلامت قرار گرفته و از باب ملکه و عدم به فقدان سلامت اطلاق می‌شود و بیماری، مصداق بارز آن است. این اصطلاح، چنانکه از ظاهرش مشخص است، از پزشکی به جامعه‌شناسی راه یافته است؛ البته آسیب‌های اجتماعی جایگزین‌هایی در تحقیقات اجتماعی دارد که ناشی از نوع نگاه به این پدیده است. در ادامه، به برخی از دیگر اصطلاحات ناظر به این پدیده و مقایسه گذرا با اصطلاح آسیب‌های اجتماعی می‌پردازیم:
- مفهوم «انحراف» در مقابل تعادل و به معنای خروج از تعادل است. این اصطلاح از علم اخلاق گرفته شده است.

اصطلاح دیگر «هنجار شکنی» است که در جامعه‌شناسی تولید شده و در مقابل «عمل به هنجار عمل کردن» است. اصطلاح «کج‌روی» در مقابل «میان‌روی و تعادل» از اخلاق به جرم‌شناسی و از جرم‌شناسی به آسیب‌های اجتماعی سرایت یافته است؛ اصطلاحات دیگر جرم شناختی «بزه» و «جرم» و «جنایت» نیز به‌نوعی، ناظر به محدوده خاصی از آسیب‌های اجتماعی است. «بزه» مرادف با آسیب و کج‌روی است اما «جرم» تنها به برخی از آسیب‌ها اطلاق می‌شود و در مقابل «قانونی عمل کردن» است؛ رفتار مجرمانه در مقابل رفتار قانونی قرار می‌گیرد. «جنایت» هم به‌نوعی مانند «جرم» در مقابل «عمل قانونی» به کار می‌رود، اما در آن شدت بیشتر نسبت به جرم وجود دارد. جنایت و جانی و مجنی‌علیه ارکان سه‌گانه این اصطلاح است. این اصطلاحات جرم شناختی مطابقت کامل با آسیب‌های اجتماعی نداشته؛ بلکه رابطه عموم و خصوص من وجه با آن دارند برای مثال: تنها برخی جرائم آسیب اجتماعی است، ولی برخی آسیب‌ها جرم نبوده و برخی جرم‌ها آسیب اجتماعی اطلاق نمی‌شوند.

اصطلاح «ظلم» و «گناه» و «خسران» و «منکر» و «فساد» و «افساد» و... نیز به برخی آسیب‌ها اطلاق می‌شود که در مقابل «دینی و انسانی عمل کردن» است. می‌توان این اصطلاح را به سه قسم رفتاری، اخلاقی و اعتقادی تقسیم نمود این اصطلاحات نیز با آسیب‌های اجتماعی رابطه عموم و خصوص من وجه دارد.

۲. مبنای نظری مقاله

الف) این مقاله، ضمن مفروض دانستن وجود آسیب‌ها، تبیین ماهیت آن‌ها را به‌جای دیگری ارجاع داده، خود را متکفل شناخت عوامل منجر به بروز آسیب و انتقال آن در قالبی کلان دانسته، سعی در ارائه مدلی کلان و قابل تعمیم به همه آسیب‌ها با هر زمینه ارزشی برای فهم و فرا تحلیل و تبیین مقایسه‌ای عوامل بروز آسیب‌ها به‌صورت حلقات یک زنجیره با تعاملی چرخه‌وار از یک‌سو و کاربست این مدل برای تجویز در مواجهه با این عوامل از سوی دیگر می‌داند.

ب) در ویژگی‌هایی که برای تعریف آسیب‌ها شمرده شد، مؤلفه چهارم (توجه به نظام ارزشی) در طراحی قالب کلی مدل رعایت نمی‌شود؛ تا مدل بتواند نقش مقایسه‌ای خود را میان نظام‌های ارزشی مختلف ایفا کند، اما برای پیاده‌سازی مدل مبتنی بر هر نظام ارزشی، داده‌های نیازمند تحلیل باهم متفاوت می‌شود و به اصطلاح در سطح محتوایی و مصداقی بررسی آسیب‌های اجتماعی باید از ویژگی چهارم استفاده نمود جهت‌گیری ارزشی هنجاری را در تحلیل وارد نمود؛ بنابراین، در سطحی که آسیب‌ها از نظر قالب‌های کلی و فارغ از نوع و مصادیق آسیب‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد، نیازی به پایگاه ارزشی و هنجاری و مقیاس‌های خاص آن نیست. این سطح از بررسی آسیب‌ها کلان و انتزاعی بوده و به‌عنوان سطح اول مطالعه بوده، ناظر به محتوای آسیب‌ها در قالب مشخص است؛ به عبارت دیگر: در مدل‌سازی برای توصیف و تجویز آسیب‌ها با نگاهی مقایسه‌ای و فرا تحلیلی، می‌توان از تعاریف غیرهنجاری و ناشی از نوعی عقلانیت عام یا شکلی بهره برد تا امکان جمع و مقایسه و فرا تحلیل در میان تمام مطالعات فراهم آید.

ج) همان‌گونه که در مفروضات بیان شد؛ همه عوامل فاعلی و قابلی در گستره‌ای متنوع در بروز و تشدید یک آسیب مؤثر هستند؛ لذا به‌جای تفکیک این عوامل و پرداختن تک‌بعدی به آن؛ بهتر است با نگاهی واقع‌بینانه در مدلی جامع تمام عوامل بروز آسیب اعم از درونی و بیرونی موردتوجه قرار گیرد و برای هرکدام سهم تأثیر مشخص شود.

د) در بحث پیشینه نیز بیان شد، رویکردهای مختلفی به بررسی آسیب‌های اجتماعی وجود دارد که هرکدام تأکید خاصی بر برخی عوامل آسیب دارند؛ به‌طوری‌که با یک اجماع ترکیبی عقلایی و فراتر از نظامات ارزشی پایه آن تحلیل‌ها می‌توان به رویکرد جامع مدل دست یافت. در بسیاری از تحلیل‌های متفاوت از آسیب‌ها می‌توان این رویکرد عقلانی را یافت. برای این منظور در پاسخ به این سؤال که «عوامل اصلی در بروز آسیب‌های اجتماعی کدام است؟» با تقسیم عوامل بروز آسیب‌ها به عوامل درونی و بیرونی یا عوامل فاعلی و قابلی، می‌توان سؤال اصلی این مقاله را به این شرح تنظیم نمود: «عوامل اصلی در بروز آسیب‌های اجتماعی بیرونی است یا درونی؟» یعنی آیا در فرایند انتقال یک آسیب، عوامل درونی در فرد آسیب‌پذیر نقش اساسی را ایفا می‌کند یا عوامل بیرونی تحمیلی از سوی فرد آسیب‌زا در پاسخ با ترکیب هر دودسته عامل، به مدل ترکیبی عوامل بروز آسیب‌ها دست می‌یابیم که شامل عوامل فاعلی (انتقال‌دهنده) و عوامل یا زمینه‌های قابلی (پذیرنده آسیب) می‌شود؛

ه) با الهام از قرآن کریم می‌توان برای این رویکرد جامع معقول نیز مؤیدی دینی به دست آورد که مبنای مفروض این نوشتار از منظر دینی را شکل می‌دهد. برخلاف ویژگی چهارم که نظامات ارزشی خاص را از محدوده طراحی مدل خارج نمود، اما اسلام به دلیل جامعیت و رویکرد مطلق که به انسان و ارزش‌های انسانی دارد، از این قاعده مستثناست؛ یعنی برای مدل عقلی می‌توان مؤید دینی آورد، بلکه می‌توان از منظر اسلام مدل عقلی را ترسیم نمود، اما در اینجا مجال تنها برای ذکر مؤید است. برای این منظور در صورت مراجعه به قرآن کریم و استنتاج آن با این پرسش که عوامل بروز آسیب‌های اجتماعی از نظر قرآن چیست، به پاسخی جامع می‌رسیم که به‌اجمال به ترتیب زیر است:

قرآن کریم از یک‌سو، عوامل درونی فرد یا جامعه اسلامی را مؤثرترین عوامل در کنترل و جلوگیری از آسیب‌ها می‌داند؛ برای نمونه در سوره مبارکه مائده آیه شریفه ۱۰۵ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».

عوامل درونی مورد اشاره در آیه رامی‌توان عوامل قابلی نامید یعنی اگر قابلیت آسیب‌پذیری را در درون از بین ببریم، دشمن بیرونی محمل و زمینه‌ای برای تأثیرگذاری ندارد.

قرآن کریم از سوی دیگر عوامل بیرونی را به‌قدری مهم در انحراف جامعه می‌شمارد که مقابله با آن را از فرایض می‌داند و دستوراتی برای مواجهه با جبهه معارض با مؤمنین ارائه می‌کند. برای نمونه توجه به دو آیه زیر در این مجال

کفایت می‌کند: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره: ۲۵۱)؛ «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْلَأَتْ صَوَامِعُ وَبُيُوعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰)

عوامل بیرونی مورد اشاره در آیه را می‌توان عوامل فاعلی نیز نامید؛ یعنی اگر بالاخره در جامعه کسانی هستند که قابلیت آسیب‌پذیری دارند و صرف آن‌که فرد مؤمن قابلیت‌پذیرش آسیب را در درون از بین برد در قبال سایر افراد جامعه و به‌ویژه افراد آسیب‌پذیر جامعه وظیفه دارد و آن دور کردن عوامل فاعلی جامعه از افراد آسیب‌پذیر جامعه است؛ البته در صورتی که به‌طور کامل بر اساس آیه اول کل جامعه در برابر آسیب مقاوم شود، دیگر دشمن بیرونی محمل و زمینه‌ای برای تأثیرگذاری ندارد. و آنگاه جامعه مقاوم باید به مقاوم‌سازی سایر جوامع بپردازد تا جایی که فساد از کل جهان رخت بربندد. با آنکه این آرمان تا قبل از ظهور بعید به نظر می‌رسد، اما باید جهت‌گیری به آن سمت باشد؛ البته ذکر چند آیه تنها به‌عنوان مؤید کفایت می‌کند، اما نمی‌تواند کفایت نظری برای مدلی جامع از منظر قرآن را به ارمغان آورد و باید در مجالس موسع کاملاً به مبانی و نظریه و مدل‌سازی عملی برای این مهم پرداخت. در این صورت است که توجه به تحقیقات انجام‌شده به‌عنوان حاصل فعالیت‌های فکری بشری نیز می‌تواند در چارچوب تحقیقات اسلامی مورد استفاده قرار گیرد و در غیر این صورت ممکن است شناسایی و تجویزهای ما با تبعاتی منفی مواجه شود و به‌قصد رفع آسیب‌های اجتماعی، گرفتار آسیب‌های عمیق‌تر اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی شویم؛ مانند برخی راهکارهایی که برای دوری از آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد یا مفاسد جنسی در جامعه از سوی برخی متخصصین ناآشنا با دین و مصالح عمیق بشری ارائه می‌شود و خود آسیب‌هایی به‌مراتب عمیق‌تر به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیرتر وارد می‌کند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روشی که در پژوهش حاضر بدان تمسک شده است، به روش مدل‌سازی عامل محور یا شبیه‌سازی عامل بنیان نزدیک‌تر است. برای شناخت این روش مختصری به شناخت روش مدل‌سازی و تفاوت آن با دیگر روش‌ها و اهمیت آن در نظام‌های پیچیده‌ای مانند سیستم انتقال آسیب‌های اجتماعی و به‌طور مشخص انواع شبیه‌سازی و شبیه‌سازی عامل محور به‌اختصار پرداخته می‌شود:

الف) تعامل میان عوامل آسیب‌های اجتماعی منجر به ایجاد نظام‌های پیچیده‌ای شده که برای مواجهه با آن نیازمند شناسایی این نوع نظام‌هاست. نظام‌های پیچیده با روش‌های برنامه‌ریزی خطی و تحلیلی قابل مدل‌سازی نیست زیرا متغیرهای زیادی در آن دخیل است که منجر به ارتباطات متنوع مستقیم و غیرمستقیم میان آن‌ها می‌شود؛ لذا با مدل‌سازی سعی می‌شود به عناصر کلیدی و روابط میان آن‌ها دسترسی یافت.

ب) مدل‌سازی، منجر به تصمیم‌گیری مناسب‌تر، افزایش بینش کاربران، ایجاد ارتباطات بهتر و مؤثرتر، صرفه‌جویی در هزینه‌ها، امکان بررسی و پیش‌بینی رفتار سیستم در مواجهه با انواع متغیرها یا پارامترهای

مختلف یک وضعیت واقعی و امکان تحلیل کلیه ترکیبات احتمالی بین فاکتورهای بالقوه با استفاده از مدل‌سازی کامپیوتر می‌شود که البته شبیه‌سازی نیازمند در مرحله طراحی مدل اولیه می‌تواند بدون نرم‌افزارهای مربوطه صورت پذیرد، اما در مرحله گردآوری داده‌ها، کدگذاری و تحلیل داده‌ها به دلیل پیچیدگی و وسعت آن‌ها، به نرم‌افزارهای تخصصی نیاز است. برای این منظور، حدود ۲۰ نرم‌افزار شبیه‌ساز از قبیل نرم‌افزارهای ارنا، ای دی، سلکسین و آنالوجیکال تولید شده است.

ج) در یک تقسیم‌بندی مدل‌سازی به سه نوع علی و ریاضی و شبیه‌سازی تقسیم می‌شود.

د) شبیه‌سازی یعنی بازنمایی تقلیدی عملکرد یک سامانه یا فرایند (سامانه معیار) به وسیله عملکرد سامانه دیگر (سامانه مشابه یا شبیه‌سازی).... شبیه‌سازی‌های پژوهشی به مثابه راهبردی برای توسعه، آزمون و بسط مفهوم‌سازی‌ها (جا کارد و جا کوبای، ۱۳۹۵، ص ۳۵۱). ساختن یک شبیه‌سازی از نظر عقلانی مستلزم این است که فرد به تحلیل دقیق سامانه معیار مبادرت ورزد.... شبیه‌سازی در اصل انعکاسی از نظریه فرد در سامانه معیار است (جا کارد و جا کوبای، ۱۳۹۵، ص ۳۶۶)

ه) کاربرد شبیه‌سازی: شبیه‌سازی‌ها می‌توانند احتمالاً برای ایجاد نظریه و یا به مثابه مکملی برای مدل‌سازی علی یا ریاضی مورد استفاده قرار گیرند (جا کارد و جا کوبای، ۱۳۹۵، ص ۳۴۸)؛ به عبارت دیگر، شبیه‌سازی‌های پژوهشی دو کارکرد اساسی دارند: ساختن و روشن کردن نظریه‌ها و آزمون نظریه‌ها (جا کارد و جا کوبای، ۱۳۹۵، ص ۳۷۱)

شبیه‌سازی‌ها زمانی مفیدند که پدیده موردنظر در یک سامانه پیچیده و پویا گرفتار شده باشد و پژوهشگر سعی می‌کند با استنتاج قیاسی از یافته‌ها درک کند که در شرایط دنیای واقعی چه چیزی امکان‌پذیر است. (جا کارد و جا کوبای، ۱۳۹۵، ص ۳۵۳)

و) برخلاف نظر مخالفان واقع‌نمایی شبیه‌سازی، دو استدلال درباره مفید بودن شبیه‌سازی وجود دارد: شبیه‌سازی‌ها نسبت به شرایط محدود کنترل شده آزمایش‌ها و پرسشنامه‌ها، دارای کارایی بیشتری در تحلیل رفتار انسان و نزدیک‌تر به واقعیت یا سامانه معیار هستند. (ر. ک به جا کارد و جا کوبای، ۱۳۹۵، ص ۳۷۲)؛ به عبارت دیگر، مدل‌سازی و به دست آوردن قدرت پیش‌بینی هرچند توسط بسیاری از دیدگاه‌ها و مکاتب فرا اثبات‌گرایانه موردنقد قرار گرفته، اما از اهمیت کاربردی برخوردار بوده است. [برای نمونه [نخبگان سیاسی] و سیاست‌گذاران فرهنگی اجتماعی] از پژوهشگر اجتماعی انتظار دارند تا با رصد و تحلیل شرایط گذشته و حال، آن‌ها را به تصویری از شرایط احتمالی آینده واصل سازد. به‌ویژه در میان پدیده‌های اجتماعی انقلاب‌ها و شبه انقلاب‌ها از جایگاهی رفیع به لحاظ اهمیت برخوردار هستند. تغییرات ناشی از این بی‌ثباتی‌ها به شدت اذهان سیاست‌مداران و پژوهشگران را به خود مشغول کرده است. (ر. ک به بغیری و تاجیک، ۱۳۹۸، ص ۵)

ز) برخی تقسیمات: شبیه‌سازی‌های آموزشی یا پژوهشی/توصیفی یا تحلیلی/ شبیه‌سازی‌های قطعی و غیرقطعی/ شبیه‌سازی‌های کلان یا خرد. (جا کارد و جاکوبای، ۱۳۹۵، ص ۳۵۴-۳۵۷ و ۳۷۱)

ح) روش‌های شبیه‌سازی را به سه رویکرد اصلی تقسیم می‌کنند: روش پویایی سیستم: نگاه کل‌نگر و انتزاعی که برای مدل‌سازی بلندمدت و شبیه‌سازی استراتژیک استفاده می‌شود؛ مانند: آثار پیاده کردن استراتژی و فرایندهای اجتماعی؛ روش مدل‌سازی عامل بنیان یا عامل محور: عوامل دنیای واقعی به صورت موجودیت‌های تصمیم گیر و خودکار به کار می‌روند؛ عامل‌هایی که دارای قدرت تصمیم‌گیری بوده و به صورت خودکار کار می‌کنند. مانند بهینه‌سازی زنجیره تأمین یا مدل‌سازی همه‌گیری ویروس کرونا، رویکرد شبیه‌سازی پیشامد گسسته: نگاهی فرایندی به مسئله / در سطوح عملیاتی و تاکتیکی.

ط) مدل عامل بنیان یا عامل محور برای تحلیل رفتار عوامل مختلف ایجاد یک پدیده است که توسط اسمیت و کانری (۲۰۰۷) تبیین گردید. این شبیه‌سازی یا مدل‌سازی، روی عواملی که معمولاً شبیه‌سازی شده‌اند و متغیرهای توصیف گر آن متمرکز می‌شود. به جای مشخص کردن روابط علی بین عامل و متغیرهای محیطی در شبیه‌سازی، این مدل روی فرایندهای میان عامل‌ها، میان محیط‌ها و میان عامل‌ها و محیط‌ها تأکید می‌کند. (ر. ک به همان؛ ۳۶۹)

مقاله حاضر تنها مقدمه‌ای بر مدل‌سازی آسیب‌های اجتماعی با رویکرد عامل محور است که برای تکمیل آن در مرحله گردآوری اطلاعات، نیازمند نرم‌افزاری قوی و جمع‌آوری اطلاعات از همه پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط در کشور و کدگذاری و تحلیل اطلاعات است؛ لذا این مقاله می‌تواند شروعی بر ایجاد سامانه شبیه‌سازی شده نسبت به سامانه معیار آسیب‌های اجتماعی در دنیای واقعی باشد که در مرحله توصیف و تحلیل و تجویز بتواند یاریگر سیاست‌گذاران فرهنگی اجتماعی کشور قرار گیرد.

شناسایی عوامل مؤثر در بروز آسیب

قبل از پرداختن به چرخه آسیب باید از منظر عوامل، نگاهی جامع به عوامل و زمینه‌های بروز آسیب‌ها داشت. برای این منظور پس از بررسی معیارهای طبقه‌بندی این عوامل به مؤلفه‌های موجد آسیب پرداخته می‌شود.

۱. معیارهایی برای طبقه‌بندی عوامل

گاهی در طبقه‌بندی عوامل آسیب، توجه به عرصه‌های ظهور این عوامل است. در این صورت، عوامل بروز آسیب‌ها از نظر عرصه‌های بروز، به عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و... تقسیم می‌شوند، اما این دسته‌بندی، قدری انتزاعی است و در صورتی که با عطف توجه ابتدایی بدان نظر شود، راهکارهای مقابله با آن نیز تا حدودی به کلی‌گویی منجر می‌شود؛ گاه در طبقه‌بندی عوامل آسیب، توجه به جایگاه و نقش عوامل انسانی مؤثر

در بروز آسیب است. در اینجا عوامل به جای آنکه برحسب عرصه‌های بروز آسیب تقسیم شوند، بر اساس جایگاه یا نقش عوامل در بروز آسیب تقسیم می‌شوند. در این صورت این معیارها برحسب عوامل به آسیب‌زا و آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر تقسیم می‌شوند و هرکدام از این سه در چند سطح برحسب درجه تأثیر یا تأثر طبقه‌بندی می‌شوند؛ گاهی نیز در طبقه‌بندی عوامل آسیب، اولویت با جایگاه و نقش ساختارهای مؤثر در بروز آسیب است. در اینجا به جای عوامل انسانی مؤثر در بروز آسیب‌ها، به ساختارهای مؤثر در بروز آسیب‌ها پرداخته می‌شود. این ساختارها را می‌توان به ساختارهای آسیب‌زا و آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر طبقه‌بندی نمود؛ معیارهای فوق هرکدام مزا یا و معایبی دارند، اما می‌توان آن‌ها را باهم ترکیب نمود، به گونه‌ای که معایب آن‌ها کاهش و مزایای آن‌ها افزایش یابد.

ابتدا با استفاده از دودسته معیار (انسانی/ ساختاری)، می‌توان به عوامل آسیب از نظر انسانی و ساختاری توجه نمود و در لایه بعدی در بررسی وجوه بینشی، انگیزشی یا کنشی این عوامل بهره گرفت تا بتوان توصیف و تجویزی ملموس و درعین حال، عمیق ارائه نمود؛ مثلاً پس از تفکیک عوامل آسیب‌زا از سایر عوامل و متفرع کردن عوامل آسیب‌زا به میدانی و غیرمیدانی، عوامل آسیب‌زای میدانی را به تناسب نوع آسیب و اقتضائات آن بر اساس معیارهای عرصه‌ای به ابعاد فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی یا سیاسی یا... تقسیم و در هر یک از ابعاد مذکور به توصیف و تجویز تخصصی پرداخت.

شکل زیر، کاملاً لایه‌های تودرتوی تحلیل آسیب‌ها را در مدل ترکیبی به‌خوبی نمایش می‌دهد.

جدول لایه‌بندی عوامل آسیب در مدل ترکیبی

عوامل فاعلی (میدان آسیب‌زا)	عوامل آسیب‌زا	عوامل انسانی	عوامل انسانی آسیب‌زا در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی اقتصادی و...
		عوامل ساختاری	عوامل ساختاری آسیب‌زا در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی اقتصادی و...
زمینه‌های قابل (میدان آسیب‌پذیر)	عوامل آسیب‌دیده	عوامل انسانی	عوامل انسانی آسیب‌دیده در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی اقتصادی و...
		عوامل ساختاری	عوامل ساختاری آسیب‌دیده در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی اقتصادی و...
	عوامل آسیب‌پذیر	عوامل انسانی	عوامل انسانی آسیب‌پذیر در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی اقتصادی و...
		عوامل ساختاری	عوامل ساختاری آسیب‌پذیر در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی اقتصادی و...

البته به دلیل ضیق مجال، از ستون چهارم در این مقاله، صرف‌نظر شده است و تنها به عوامل فاعلی و قابل بدون تفکیک میان دو جنبه انسانی و ساختاری پرداخته شده است.

۲. مؤلفه‌های اصلی چرخه آسیب شامل عوامل آسیب‌زا، آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر

وصف آسیب در تعامل میان عوامل فاعلی و قابلی تعین می‌یابد. عامل در اینجا اعم از علت و زمینه‌ای است که موجب شکل‌گیری یک پدیده می‌شود، به این معناست که:

(الف) برخی عوامل موجب انتقال آسیب و برخی عوامل موجب پذیرش آسیب هستند؛

(ب) عواملی که موجب انتقال آسیب هستند ممکن است خود دچار آسیب نشده باشند، اما ناقل باشند؛

(ج) عواملی که آسیب را می‌پذیرند، آسیب‌دیده نامیده می‌شوند؛

(د) قبل از پذیرش آسیب به سبب قابلیت پذیرش آسیب نیز به این عوامل آسیب‌پذیر اطلاق می‌گردد؛

(ه) عوامل آسیب‌زا، قبل از آسیب‌زایی، به عوامل دارای قابلیت آسیب‌زایی اطلاق می‌شود؛

(و) بر این اساس دو میدان شکل می‌گیرد: میدان آسیب‌زایی و میدان آسیب‌پذیری و در هرکدام از این دو میدان برخی عوامل بالقوه و برخی بالفعل حضور دارند؛ همچنین برخی عوامل انسانی و برخی ساختاری هستند؛

نمودار زیر تا حدودی، نمایانگر عوامل و ساختارهای مرتبط با شکل‌گیری آسیب‌ها است؛ به‌طوری‌که عوامل آسیب اعم از انسانی و ساختاری به میدان‌های آسیب‌زایی اعم از عوامل آسیب‌زا و مستعد آسیب‌زایی در یک سویه و زمینه‌های آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر (به‌عنوان میدان آسیب) در سویه دیگر به شکلی ساده ارائه شده است. به این ترتیب، عوامل آسیب در تقسیم اولیه به ۴ دسته زیر تقسیم می‌شود. (نمودار)



ز) اما برای سهولت مدل، عوامل مرتبط با آسیب رامی توان در ۳ دسته کلی آسیب‌زا، آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر طبقه‌بندی و تحلیل کرد. هر یک از این سه دسته نیز قابلیت تفریع دارد؛ برای نمونه، عوامل آسیب‌زا را می‌توان به دودسته داخلی و خارجی و هرکدام از این دو را به عملیاتی، انسجام بخش، راهبر و توجیه‌گر تقسیم کرد و عوامل عملیاتی را می‌توان به آسیب‌زای آسیب‌پذیر و ذینفعان اقتصادی و سیاسی و... متفرع نمود. (برای نمونه ر. ک به سلیمی و داوری، ۱۳۹۳، ص ۲۱۲-۲۱۹)

ح) این سه دسته قابل تبدیل به یکدیگر هستند؛ یعنی عوامل آسیب‌پذیر قابل تبدیل به آسیب‌دیده و آسیب‌زا بوده، عوامل آسیب‌دیده، قابل بازگشت به مرحله، آسیب‌پذیری و یا قابل ارتقا به آسیب‌زایی هستند.

ط) یک عامل نیز می‌تواند از جهتی آسیب‌زا و از جهت دیگر آسیب‌دیده و از جهت سوم، آسیب‌پذیر باشد. این جهات به سبب تنوع آسیب‌ها یا مراتب یک آسیب تکرر می‌یابد؛ مثلاً معنادی که برای تأمین مواد مجبور به فروش مواد مخدر می‌شود، از جهت مصرف مواد آسیب‌دیده و از جهت فروش مواد مخدر آسیب‌زا و از جهت تبدیل عوامل سنتی به صنعتی آسیب‌پذیر است.

ی) یک آسیب می‌تواند موجب بروز آسیب‌های دیگر شود؛ به عبارت دیگر، یک آسیب می‌تواند زمینه‌ساز یا فعال‌کننده یا تشدیدکننده آسیب دیگر شود؛ مانند آسیب طلاق که می‌تواند منجر به آسیب اعتیاد شود و بالعکس، آسیب اعتیاد که آسیب طلاق را موجب می‌شود؛ البته مکانیسم تأثیر آسیب‌ها بر یکدیگر ساده نیست و از عهده این مقاله خارج است که غفلت از موارد فوق در تفکیک عوامل آسیب، می‌تواند ما را در شناخت آسیب و عوامل بعضاً پیچیده آن دچار خطا کند.

نگاهی طیفی به چرخه آسیب؛ از مدل ساده تا مدل پیچیده

مرتبۀ سطحی: ساده‌ترین مدل چرخه آسیب؛ حاوی عوامل میدانی آسیب

در ساده‌ترین ارتباط منجر به آسیب، وجود یک عامل آسیب‌زا و یک عامل پذیرای آسیب کافی است؛ زمانی که ارتباط عامل آسیب‌زا با عوامل انسانی پذیرای آسیب، به گونه‌ای باشد که آن زمینه را آسیب، متصف به آسیب کند، در این صورت چرخه آسیب در ساده‌ترین سطح آن محقق شده است. با این بیان، در ساده‌ترین مرتبه از طیف چرخه‌های آسیب، سه عامل آسیب‌زا، آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده قابل تصور است.

مدل سطح ۱	
آسیب پذیران	زمینه‌های تأثیر آسیب (قربانیان)
آسیب دیدگان	
آسیب‌زای میدانی	عوامل آسیب‌زا (بازیگران)

برخی ویژگی‌های این مرتبه از چرخه آسیب عبارت است از:

الف) در این مرتبه از چرخه آسیب، معمولاً فرد آسیب‌دیده، همان آسیب‌پذیر است، ولی قبل از ارتباط با عامل آسیب‌زا؛ به عبارت دیگر مؤلفه پذیرای آسیب، قبل از ارتباط مؤثر عامل آسیب‌زا با آن «آسیب‌پذیر» یا دارای قابلیت آسیب‌دیدگی است و پس از ارتباط مؤثر با عامل آسیب‌زا تبدیل به «آسیب‌دیده» می‌شود.

ب) ارتباط مؤثر در فرایند انتقال آسیب، به ارتباطی اطلاق می‌شود که یک ویژگی با عنوان «آسیب» از عامل آسیب‌زا به آسیب‌پذیر منتقل و قابلیت آسیب‌پذیری او را به فعلیت برساند.

ج) در فرایند انتقال آسیب، ممکن است عامل آسیب‌زا، درکی صحیح نسبت به آسیب و تبعات آن روی افراد داشته باشد و از روی قصد با علم به عواقب آسیب، آسیب را منتقل کند و یا ممکن است درک صحیح نسبت به آسیب و تبعات آن نداشته و حتی حس خوبی نسبت به آسیب داشته و احساس کند که انتقال آسیب، موجب آثاری مثبت در دیگران می‌شود.

د) ارتباط منجر به آسیب می‌تواند اتفاقی یا برنامه‌ریزی شده از سوی آسیب‌زا یا آسیب‌دیده رخ داده باشد. هر چه به‌سوی مدل‌های پیچیده‌تر حرکت می‌کنیم از جنبه اتفاقی بودن آسیب کاسته می‌شود و به مؤلفه‌های برنامه‌ای چرخه آسیب افزوده می‌شود که در پی خواهد آمد.

ه) در این مدل عامل آسیب‌زا می‌تواند عاملی میدانی باشد که خودش قبلاً آسیب‌دیده باشد و فرایند انتقال آسیب می‌تواند ناخودآگاه یا خودآگاه، جبری یا اختیاری باشد؛ همچنین ممکن است عامل آسیب‌زا خودش آلوده به آسیب (آسیب‌دیده) نباشد و واسطه شدن او در انتقال آسیب به واسطه منفعتی باشد که از ناحیه انتقال آسیب به او می‌رسد؛ این منفعت معمولاً سود اقتصادی است، اما در مدل‌های پیچیده‌تر، این منفعت می‌تواند غیراقتصادی باشد؛ مثلاً آلوده شدن به آسیب حاوی منفعت سیاسی برای عامل ناقل آسیب باشد.

و) اغلب عوامل میدانی آسیب داخلی هستند؛ اما در دوره‌ای که ارتباطات مجازی و دوفضایی شدن ارتباطات، تحولی در ارتباط میان افراد برقرار کرده است، برخی آسیب‌ها به‌ویژه آسیب‌هایی که جنبه فیزیکی کمتری دارند می‌توانند ارتباط میان عامل آسیب‌زای خارجی را با کسانی که قابلیت پذیرش آسیب دارند ایجاد کند.

مرتبه دوم: مدل چرخه آسیب منسجم: افزودن عاملی ستادی به چرخه آسیب (مؤلفه هماهنگی و انسجام در میدان آسیب)

چرخه آسیب می‌تواند افزون بر عوامل میدانی آسیب، دارای عامل هماهنگ‌کننده و انسجام بخش میدان نیز باشد؛ به‌گونه‌ای که عوامل آسیب به‌طور اتفاقی باهم مواجه نشده و ارتباط مؤثر میان آن‌ها با هماهنگی رخ داده باشد. در این صورت لازمه این مرتبه از چرخه آسیب وجود عاملی هماهنگ‌کننده میان عوامل آسیب است؛ بنابراین مدل‌های پیشرفته‌تری از چرخه‌های آسیب قابل تصور است که طی آن، افزون بر عوامل میدانی، شامل سه عامل آسیب‌زا،

آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده، عوامل ستادی آسیب، یعنی هماهنگ‌کننده‌های ورای میدان آسیب نیز قابل‌تصور است.

مدل سطح ۲	
آسیب‌پذیران	زمینه‌های تأثیر آسیب (قربانیان)
آسیب‌دیدگان	
آسیب‌زای میدانی	عوامل آسیب‌زا (بازیگران)
عوامل هماهنگ‌کننده و انسجام‌گر (ستادی) جبهه معارض	

برخی ویژگی‌های این نوع از چرخه آسیب، افزون بر ملاحظات مرتبه اول عبارت است از:

الف) معمولاً عوامل ستادی محسوس و در میدان به‌طور مستقیم، منجر به آسیب نیستند، اما در تسریع و تشدید و گسترش و استمرار یک آسیب اثر به‌سزایی دارند. در مدل ساده، چرخه آسیب ممکن است ارتباط مؤثر فقط در یک مورد اتفاق بیفتد و موجب آلودگی کامل عامل آسیب‌پذیر نشود و امکان نجات فرد آسیب‌پذیر مواجه شده با آسیب وجود داشته باشد؛ اما هر چه عوامل ستادی آسیب هماهنگ‌تر عمل کرده و سازمان‌دهی بهتری در میدان آسیب ایجاد کند، فرایند ارتباطی مؤثرتر و چرخه آسیب، پایدارتر می‌شود.

ب) عوامل ستادی می‌توانند صرفاً با یک هماهنگی ساده، میدان را کنترل کنند و مواجهه اقتضایی عوامل میدانی را قدری تشدید کرده و استمرار و عمق کمی ببخشند؛ همچنین ممکن است در عقبه آن‌ها برنامه‌ریزی هم‌رخ داده باشد تا میان عوامل ایجاد آسیب با پیش‌بینی بهتری، آسیب منتقل شده و گستره و عمق آسیب بیشتر گردد.

در هر صورت عوامل ستادی با برنامه‌یابی برنامه، با پیش‌بینی یا بدون پیش‌بینی و.... نقش هماهنگی میان عوامل آسیب را ایفا می‌کنند.

ج) عوامل ستادی می‌توانند از نظر استقرار داخلی یا فرامرزی باشند.

د) جرائم سازمان‌یافته سطح ۱: با افزودن عوامل ستادی در دومین مرتبه از چرخه آسیب، اولین مرتبه یا ساده‌ترین مرتبه آسیب‌ها یا جرائم سازمان‌یافته شکل می‌گیرد؛ یعنی برای سازمان‌یافته بودن جرائم و آسیب‌ها، حداقل نیازمند عوامل ستادی یا هماهنگی فرا میدانی هستیم.

مرتبه سطح ۳: مدل چرخه آسیب هدف محور: با افزودن عامل راهبر به چرخه آسیب

چرخه آسیب در مرتبه‌ای پیشرفته‌تر ممکن است افزون بر عوامل میدانی و ستادی آسیب، دارای عامل راهبر آسیب نیز باشد؛ به‌گونه‌ای که هماهنگی میان عوامل آسیب معطوف به یک جهت‌گیری خاص می‌شود. در این صورت لازمه این مرتبه از چرخه آسیب وجود عاملی راهبر میان عوامل میدانی و ستادی آسیب است؛ بنابراین، مدل‌های پیشرفته‌تری از چرخه‌های آسیب قابل‌تصور است که طی آن افزون بر عوامل میدانی و ستادی، عوامل راهبر آسیب یعنی جهت‌دهنده به آسیب، ورای میدان و ستاد آسیب نیز قابل‌تصور است.

مدل سطح ۳	
آسیب پذیران	زمینه‌های تأثیر آسیب (قربانیان)
آسیب دیدگان	
آسیب‌زای میدانی	عوامل آسیب‌زا (بازیگران)
عوامل هماهنگ‌کننده و انسجام‌گر (ستادی) جبهه معارض	
عوامل راهبر جبهه معارض	

برخی ویژگی‌های این نوع از چرخه آسیب افزون بر ملاحظات مرتبه اول و دوم عبارت است از:

الف) معمولاً عوامل راهبر، بیش از سایر عوامل نامحسوس و دارای ضریب تأثیر بسیار بالا، ولی با اعمال غیرمستقیم هستند، به‌گونه‌ای که در جهت‌دهی و پیچیده‌تر شدن یک آسیب، از عوامل ستادی اثر بالاتری دارند. چرخه آسیب در مدل ستادی ممکن است ارتباط مؤثر با سازمان‌دهی بالاتر در جهتی خاص به پیشرفت آسیب و رشد آسیب تأثیر بیشتری برجای گذارند. در این صورت، فرایند ارتباطی مؤثرتر و چرخه آسیب، پایدارتر از دو سطح دیگر میدانی و ستادی خواهد بود.

ب) عوامل راهبر می‌توانند موجب جهت‌گیری و حرکتی برنامه‌ریزی‌شده و هدف‌دار به عوامل ستادی و میدانی آسیب دهد؛ طوری که عوامل آسیب با پیش‌بینی دقیق‌تر در انتقال آسیب و گستره و عمق آن اثرگذار شود، اما این جهت‌گیری می‌تواند با مینا یا بی مینا باشد. در هر صورت، عوامل راهبر با مینا یا بی مینا، نقش هدایت‌گر میان عوامل آسیب را در جهت تشدید و تکمیل آسیب و آثار آن ایفا می‌کنند.

ج) عوامل راهبر معمولاً درونی نبوده و وابسته به جبهه معارض هستند و ریشه در جریانات معارضی دارند که سودشان در اضرار به جامعه هدف آسیب است.

د) جرائم سازمان‌یافته سطح ۲: با افزودن عوامل راهبر در دومین مرتبه از چرخه آسیب، جرائم سازمان‌یافته توسعه قابل ملاحظه‌ای خواهد یافت؛ یعنی برای سازمان‌یافته‌تر شدن جرائم و آسیب‌ها، افزون بر عوامل ستادی، به عوامل راهبر یا هدایت‌کننده فرا میدانی نیاز است.

آخرین مدل چرخه آسیب: چرخه آسیب معنا محور

با افزودن عامل فکری به چرخه آسیب، در نهایت، چرخه آسیب ممکن است افزون بر عوامل میدانی، ستادی و راهبر آسیب، دارای عاملی فکری و اندیشگی برای تبیین آسیب‌ها به‌عنوان ارزش یا هنجاری مثبت است؛ این مرتبه، خطرناک‌ترین مرتبه برای نافذ کردن آسیب است. به‌گونه‌ای که جهت‌گیری عوامل آسیب معطوف به باورها و نگرش‌های خاصی در توجیه آن آسیب می‌شود. در این صورت لازمه این مرتبه از چرخه آسیب وجود عاملی

اندیشه‌ورز میان عوامل میدانی، ستادی و راهبر آسیب است؛ بنابراین، پیشرفته‌ترین مدل قابل‌تصور از چرخه آسیب، افزون بر عوامل میدانی، ستادی و راهبر، حاوی عوامل توجیه‌گر آسیب، یعنی القای باور غلط نسبت به آسیب است.

مدل سطح ۴	
آسیب‌پذیران	زمینه‌های تأثیر آسیب (قربانیان)
آسیب‌دیدگان	
آسیب‌زای میدانی	عوامل آسیب‌زا (بازیگران)
عوامل هماهنگ‌کننده و انسجام‌گر (ستادی) جبهه معارض	
عوامل راهبر جبهه معارض	
عقبه فکری (اتصال به اندیشه‌های تولید آسیب)	

برخی ویژگی‌های این نوع از چرخه آسیب افزون بر ملاحظات مرتبه اول تا سوم عبارت است از:

الف) معمولاً عوامل توجیه‌گر آسیب، بیش از عوامل پیش‌گفته، نامحسوس و دارای ضریب تأثیر بسیار بالاتری بوده، ولی با اعمال نامحسوس عمل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که در باورمند کردن و در نتیجه، پیچیده‌تر شدن یک آسیب بالاترین اثر را دارند. در مدل راهبر چرخه آسیب، ممکن است ارتباط مؤثر با سازمان‌دهی و جهت‌گیری بالا در جهتی خاص بر پیشرفت و رشد آسیب تأثیر بیشتری برجای گذارند، در این صورت فرایند ارتباطی مؤثرتر و چرخه آسیب، پایداری نسبت به سه سطح دیگر میدانی، ستادی و راهبر خواهد بود.

ب) عوامل توجیه‌گر می‌توانند موجب رسوخ ذهنیت آسیب در یک جامعه شوند و حرکت برنامه‌ریزی‌شده و هدف‌دار عوامل راهبر را مبتنی بر یک سری مبانی اولیه و اساسی کنند؛ طوری که عوامل آسیب با پیش‌بینی دقیق‌تر در انتقال آسیب و گستره و عمق آن اثرگذار شود، اما این جهت‌گیری می‌تواند با مبنا یا بی مبنا باشد. در هر صورت، عوامل اندیشگی؛ با منطق یا بی منطق، نقش توجیه‌گری میان عوامل آسیب را در جهت تعمیق و توجیه آسیب ایفا می‌کنند.

ج) معمولاً عوامل توجیه‌گر در مکاتب مدرن و پست‌مدرن، تنفس می‌کنند و آسیب‌هایی را که در فرهنگ غرب، ارزش و هنجار محسوب می‌شود توجیه و تبیین می‌کنند و به‌واسطه جریان روشنفکری وابسته ترجمه و به داخل کشور منتقل می‌شود، بدون آنکه به عمق آسیب‌هایی که نشر می‌دهند توجه داشته باشند؛ به عبارت دیگر، هر آنچه از فرهنگ غرب به دست می‌آورند، صرفاً به دلیل غربی بودنشان، بدون تأمل کافی در جامعه نشر می‌دهند. البته دسته دیگری از عوامل توجیه‌گر نسبت به آسیب‌های خاص جامعه ایرانی وجود دارند که غالباً این عوامل با سفارش سرویس‌های امنیتی اطلاعاتی و به‌کارگیری ظرفیت روشنفکران وابسته و مزدبگیر ایرانی آن کشورها سعی در انتقال مطالب خود به جامعه ایرانی دارند.

در هر صورت، عوامل توجیه‌گر چه از روی عمد یا سهو؛ چه تولید، چه ترجمه، چه روشنفکر ایرانی چه غربی و چه در محدوده ارزش‌ها و هنجارهای غربی یا ضد ارزش و ناهنجاری در غربی، به پمپاژ مطالبی در جهت مثبت جلوه دادن آسیب‌های خانمان‌برانداز و خیانت به ملت می‌پردازند.

د) جرائم سازمان‌یافته سطح ۳: با افزودن عوامل توجیه‌گر در سومین مرتبه از چرخه آسیب، جرائم سازمان‌یافته، به آخرین حد توسعه می‌رسند؛ یعنی برای سازمان‌یافته‌تر شدن جرائم و آسیب‌ها، افزون بر عوامل ستادی و راهبر، نیاز به عوامل توجیه‌گر فرا میدانی است. به این عوامل در عمیق‌ترین لایه عوامل آسیب‌زا می‌توان عنوان عقبه فکری از طریق اتصال به اندیشکده‌های مربوطه باهدف تولید باورهای پشتیبان آسیب و در یک کلام «عقبه فکری اتصال راهبر به اندیشکده‌های تولید آسیب» نام برد.

تکمیل مدل در سه مرحله

در تکمیل این مدل، ضمن آنکه باید از حیث جامعیت نسبت به مدل اطمینان یافت، مدل به‌نوعی از حالت ایستا به پویا تبدیل شده است. به‌گونه‌ای که نگاه به مصادیق عوامل آسیب، نسبی و متغیر خواهد بود و در نهایت مدل که از کف میدان چیده و با نگاهی از پائین به بالا از ساده‌ترین و آشکارترین عوامل بروز آسیب‌ها شروع شده و به سطوح عمیق‌تر و پیچیده‌تر عوامل آسیب‌ها رسیده بود، با نگاهی معکوس، یعنی از بالا به پائین، چیش شده و به‌مثابه مدل نهایی ارائه می‌شود.

۱. مدل جامع

آخرین مدل چرخه آسیب به‌عنوان کامل‌ترین چرخه آسیب محسوب می‌شود که همه عوامل به‌صورت جامع در آن حضور دارند؛ طوری که همه عوامل در مراتب مختلف طیف چرخه آسیب، در آن حضور دارند؛ بنابراین آخرین مدل چرخه آسیب را می‌توان به‌عنوان مدلی جامع برای بازشناسی انواع عوامل آسیب معرفی کرد.

مدل جامع	
آسیب پذیران	زمینه‌های تأثیر آسیب (قربانیان)
آسیب دیدگان	
آسیب‌زای میدانی	عوامل آسیب‌زا (بازیگران)
عوامل هماهنگ‌کننده و انسجام‌گر (ستادی) جبهه معارض	
عوامل راهبر جبهه معارض	
عقبه فکری (اتصال به اندیشکده‌های تولید آسیب)	

بر این اساس، مدل چرخه آسیب در جامع‌ترین وضعیت خود، حاوی زمینه‌های قابل‌آسیب، اعم از عوامل آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده از یک‌سو و عوامل فاعلی یا آسیب‌زا، شامل عوامل میدانی عملیاتی و ستادی و راهبری و اندیشگی از سوی دیگر هستند.

۲. از مدل جامع به مدل پویا

با افزودن قابلیت‌های هر سطح در تبدیل به سطح بالاتر می‌توان مدل را پویا کرد؛ یعنی هر عامل آسیب، قابلیت تبدیل به عامل بالاتر دارد و حتی یک عامل قابلیت آن را دارد که در آن واحد چند سطحی عمل کند؛ مانند اعتیاد در معتاد به مواد سنتی که قابلیت اعتیاد به مواد صنعتی را نیز داراست و قابلیت تبدیل به توزیع‌کننده خرد میدانی و توزیع‌کننده عمده میدانی و شبکه توزیع بین‌المللی را دارد و استعداد و عوامل محیطی و فرا محیطی می‌تواند او را برای رسیدن به قابلیت‌های بالاتر در چرخه آسیب یاری رساند.

آسیب‌پذیران	زمینه‌های تأثیر آسیب (قربانیان)
قابلیت آسیب‌دیدگی	
قابلیت آسیب‌زایی عملیاتی	
عوامل میدانی عملیاتی	
قابلیت آسیب‌زایی ستادی	
عوامل هماهنگ‌کننده و انسجام‌گر (ستادی)	
قابلیت آسیب‌زایی راهبردی	
عوامل هماهنگ‌کننده و انسجام‌گر (ستادی)	
عوامل راهبر جبهه معارض	
قابلیت تجهیز به عقبه فکری و اتصال به اندیشکده‌های تولید آسیب	
عقبه فکری (اتصال به اندیشکده‌های تولید آسیب)	
به فعلیت رسیدن همه قابلیت‌ها	

پویایی را از جهت دیگر می‌توان در نظر گرفت و آن تفاوت میان واقعیت بالفعل آسیب و چهره‌ای که از آسیب به ظهور می‌رسد و به عبارت دیگر، صورت و واقعیت آسیب است که ممکن است یک عامل در مرتبه‌ای عمیق‌تر باشد، اما بروز آن به‌گونه‌ای باشد که از منظر مخاطب، عاملی در لایه‌ای سطحی‌تر دیده شود. بر این اساس جدول زیر قابل توجه است:

آسیب‌پذیران	زمینه‌های تأثیر آسیب (قربانیان)
آسیب‌دیدگان	
بروز در قالب عوامل آسیب‌پذیر	
عوامل میدانی عملیاتی	
بروز در قالب عوامل آسیب‌دیده یا آسیب‌پذیر	
عوامل هماهنگ‌کننده و انسجام‌گر (ستادی)	
جبهه معارض	
بروز در قالب عوامل میدانی	

عوامل راهبر جبهه معارض	بروز در قالب عوامل میدانی یا ستادی
عقبه فکری (اتصال به اندیشه‌های تولید آسیب)	بروز در قالب عوامل میدانی یا ستادی

بنابراین قابلیت تبدیل یک‌مرتبه از عوامل آسیب به مرتبه‌ای عمیق‌تر از یک‌سو و قابلیت بروز یک‌مرتبه از عوامل آسیب به مرتبه‌ای سطحی‌تر، به عوامل آسیب پویایی را می‌دهد که می‌تواند مقابله گران با آسیب‌ها را در شناخت آسیب گمراه کند؛ لذا توجه به پویایی عوامل آسیب از دو طرف مذکور از اهمیت به سزایی برخوردار بوده و نیازمند آن است که معیارهای شناسایی آسیب‌ها در میدان آسیب با دقت بررسی و جایگاه عوامل به‌درستی مشخص شود تا تجویز در مواجهه با آسیب‌ها به نقطه مناسب آن اصابت کند.

۳. تبدیل مدل جامع پویا به مدل معکوس جبهه معارض

در مدل‌های قبلی که هم جامع بودند و هم پویا، با روش استنباطی معکوس، از عوامل میدانی آسیب‌زا به عوامل پیچیده‌تر و ناملموس‌تر رسیدیم، اما برای تحلیل جریان صحیح آسیب باید جریان انتقال آسیب از عمیق‌ترین لایه آسیب‌زا به سمت میدانی‌ترین و سطحی‌ترین لایه آسیب‌زا پیش شود.

مدل جبهه معارض	
عقبه فکری (اتصال به اندیشه‌های تولید آسیب)	عوامل آسیب‌زا (بازیگران)
عوامل راهبر جبهه معارض	
عوامل هماهنگ‌کننده و انسجام‌گر (ستادی) جبهه معارض	
عوامل آسیب‌زای میدانی	
آسیب دیدگان	زمینه‌های تأثیر آسیب (قربانیان)
آسیب پذیران	

این پیش، خط سیر انتقال آسیب را منطقی کرده، از ژرف‌ترین عامل ممکن در تولید و نشر آسیب شروع شده تا به سطحی‌ترین عامل می‌رسد، اما در این سیر منطقی، لزومی ندارد همیشه همه عوامل آسیب‌زا وجود داشته باشند و یا اگر وجود داشته باشند، لزوماً محسوس بوده و از نگاه تیزبین‌ترین افراد آسیب‌شناس دور نمانده باشند؛ بنابراین، این مدل برای تحلیل همه نوع چرخه آسیب بوده که جامع همه عوامل آسیب‌زا بوده و خط سیر آسیب را از عمیق‌ترین لایه‌ها تا سطحی‌ترین آن‌ها نشان می‌دهد و بر اساس معیارهای شناخت میدان تا هراندازه که نشانه‌های بروز آسیب اجازه داد، می‌توان به کشف عوامل آسیب پرداخت.

بنابراین می‌توان گفت: اوج نگاه طیفی در مدل جامع پویای معکوس منعکس می‌گردد که به اختصار می‌توان به آن عنوان «مدل جبهه معارض بر اساس چرخه جرائم سازمان‌یافته پیشرفته یا سطح ۳» اطلاق نمود.

از مدل جبهه معارض به ماتریس‌های توصیفی – تجویزی

مدل جبهه معارض، کامل‌ترین مدل برای طبقه‌بندی عوامل بروز آسیب اعم از عوامل آسیب‌زا و آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر است، اما این مدل طبقه‌بندی، نیازمند تفصیلی بیشتر در قالب دو نوع ماتریس است:

۱. ماتریس اول، مطالب تفصیلی برای توصیف و شناسایی عوامل آسیب است و در نهایت شاخص‌هایی را برای ردیابی عوامل آسیب در میدان آسیب به دست می‌دهد.

۲. ماتریس دوم، مطالب تفصیلی برای تجویز و ارائه راهکار برای کنترل یا کاهش یا ریشه‌کنی عوامل آسیب است که در نهایت، موجب ارائه اصولی اولیه برای برخورد با عوامل آسیب است.

۱. ماتریس شناسایی و توصیف آسیب

قبل از ارائه راهکار برای مقابله با آسیب، باید آن را شناخت. شناخت آسیب نیازمند رصد میدانی است، اما رصد میدانی بدون ارائه مدلی برای طبقه‌بندی عوامل آسیب، باعث سردرگمی خواهد شد و دورنمایی روشن از لایه‌های عوامل آسیب به دست نخواهد داد؛ بنابراین، نقش مدل‌های چرخه آسیب، به‌ویژه، مدل جبهه معارض را در تنظیم و طبقه‌بندی عوامل آسیب باید بسیار مهم و اساسی تلقی نمود. افزون بر آن، باید برای طبقه‌بندی عوامل آسیب، با توجه به ویژگی‌هایی که نمایانگر عوامل آسیب است آشنا شد و بر اساس این ویژگی‌ها به شناسایی عوامل آسیب در مدل جبهه معارض پرداخت. برای شناسایی عوامل آسیب باید ماتریسی به شرح زیر ترسیم نمود:

اول: برای ترسیم ماتریس شناسایی، ردیف‌های آن را با عوامل آسیب در مدل جبهه معارض تنظیم می‌کنیم. باید توجه داشت مدل جبهه معارض مدلی کامل برای شناسایی آسیب است که همه عوامل محتمل مؤثر در آسیب را در خود جای داده و مدل ذهنی کامل را تشکیل می‌دهد.

مدل	عوامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی		سطح یا جایگاه عامل	نقش عامل	شاخص وجود عامل
	حلقه‌های اصلی	سطوح فرعی			
عوامل آسیب‌زا (بازیگران)	عوامل راهبر جبهه معارض				
	عوامل ستادی جبهه				

چرخه آسیب: مدلی جامع برای شناسایی و مواجهه با آسیب‌های اجتماعی

				معارض	
				عوامل میدانی عمل‌کننده	
				آسیب دیدگان	زمینه‌های تأثیر آسیب (قربانیان)
				آسیب پذیران	

دوم: ستون‌های ماتریس به ترتیب عبارت‌اند از: سطح یا جایگاه عامل، نقش عامل و شاخص وجود عامل در عرصه آسیب که موجب شناسایی عوامل آسیب در میدان واقعی آسیب در جامعه بوده، موجب شناسایی نوع مدل چرخه آسیب در عرصه اجتماعی می‌شود.

مدل	عوامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی		معیار شناخت عامل	راهبرد مقابله	راهکار اصلی
	حلقه‌های اصلی	سطوح فرعی			
عوامل آسیب‌زا (بازیگران)	عوامل راهبر جبهه معارض				
	عوامل ستادی جبهه معارض				
	عوامل میدانی عمل‌کننده				
زمینه‌های تأثیر آسیب (قربانیان)	آسیب دیدگان				
	آسیب پذیران				

در ادامه به بررسی مؤلفه‌های لازم برای شناسایی و توصیف آسیب بر اساس عوامل آسیب در میدان واقعی جامعه پرداخته می‌شود:

الف) سطح یا جایگاه عامل: شامل سطوح اصلی و فرعی و سطح درگیری عوامل آسیب‌زا و سطح آلودگی عوامل آسیب‌دیده و زمینه‌های دور و نزدیک مواجهه عوامل آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر با عوامل آسیب‌زا است.

ب) نقش عامل: با شناسایی سطح درگیری هر عامل، نقش آن عامل به دست می‌آید.

ج) شاخص: برای شناسایی نقش عامل باید نشانه‌های اصلی وجود هر عامل را به‌عنوان شاخص وجود عامل به دست آورد؛ بنابراین برای شناسایی هر یک از عوامل مؤثر در بروز آسیب و در نتیجه، شناسایی نوع چرخه آسیب در عرصه واقعی اجتماع، به سه دسته اطلاعات در باب سطح درگیری، نقش عامل و شاخص‌های وجود عامل نیاز داریم که تلاش شده برداشت اولیه‌ای از این سه دسته اطلاعات برحسب هر یک از عوامل آسیب‌زا و آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر ارائه شود. این سه دسته اطلاعات، عام بوده و شامل هر نوع آسیبی می‌شود، اما می‌توان برای هر یک از آسیب‌های خاص، قیده‌ای ویژه‌ای را مرتبط با آن آسیب به ویژگی‌های مندرج در عوامل آسیب افزود.

با تکمیل ستون‌های شناسایی، عوامل واقعی آسیب مشخص شده و برخورد با آسیب را در میدان واقعی آسیب رقم می‌زنند. مسیر تکمیل فیلدهای این ماتریس آمار و اطلاعات واقعی میدانی است. اطلاعات میدانی درون ردیف‌های موردنظر بر اساس شاخص‌های شناسایی عوامل آسیب‌ها قرار گرفته و این عوامل در میدان واقعی شناسایی می‌شوند. در جدول زیر، تلاش گردیده ماتریس، شناسایی و توصیف آسیب با ردیف‌های عوامل سازنده چرخه آسیب و ستون‌های توصیف‌گر این عوامل به تفصیل ارائه شود.

مدل	عوامل مؤثر در آسیب‌های اجتماعی		سطح یا جایگاه عامل	نقش عامل	شاخص وجود عامل
	حلقه‌های اصلی	سطوح فرعی			
عوامل آسیب‌زا (بازیگران)	عوامل راهبر جبهه معارض	سطح ۱	تقابل فکری	توجیه و تثبیت آسیب	قالب‌های متنوع تبیین و توجیه آسیب
		سطح ۲	تقابل راهبردی	هدایت‌گری	وجود هدفمندی و جهت داری در گسترش آسیب
	عوامل هماهنگ‌کننده و انسجام‌گر (ستادی) جبهه معارض	سطح ۱	تقابل ستادی بیرونی (بیرون از دسترس نظام)	هماهنگی و انسجام از بیرون	وجود هماهنگی و انسجام خارج از دسترس در عوامل آسیب‌زا
		سطح ۲	تقابل ستادی درونی (در دسترس نظام)	هماهنگی و انسجام درونی	وجود هماهنگی و انسجام داخلی میان عوامل آسیب‌زا
	عوامل میدانی - عمل‌کننده	سطح ۱	بخش خارجی عملیات نفوذ	عملگر اصلی بی‌رونی (منشأ بیرونی خط نفوذ)	آسیب‌زایی خارج از دسترس
		سطح ۲	بخش داخلی عملیات نفوذ	عملگر اصلی داخلی (خط نفوذ در داخل)	آسیب‌زایی داخلی و در دسترس

مدل	عوامل مؤثر در آسیب‌های اجتماعی		سطح یا جایگاه عامل	نقش عامل	شاخص وجود عامل
	حلقه‌های اصلی	سطوح فرعی			
زمینه‌های تأثیر آسیب (قربانیان)		سطح ۳	عوامل زمینه‌ساز - سودجویان	سوء استفاده‌گرها از آسیب (ذینفعان عرصه‌های سیاسی/اقتصادی /اجتماعی)	نگاه کاسب‌کارانه و هزینه - فایده کردن نسبت به آسیب
		سطح ۴	عوامل زمینه‌ساز - آسیب دیدگان	نقش آفرینی در یکی از حلقات و سطوح فوق	یکی از معیارهای بالا به همراه رضایت از آسیب‌دیدگی
	آسیب دیدگان	سطح ۱	مرحله آسیب‌زایی	قابلیت نقش آفرینی در یکی از حلقات و سطوح فوق	
		سطح ۲	عادی شدن آسیب	زمینه شدت تأثیر آسیب	عدم بروز آسیب‌دیدگی - بدون عذاب وجدان
		سطح ۳	مراحل اولیه آسیب	تأثیر اولیه آسیب	عذاب وجدان از آسیب‌دیدگی
	آسیب پذیران	سطح ۱	مواجهه ابتدایی با آسیب	قبول اولیه آسیب	عذاب وجدان شدید از آسیب‌دیدگی
		سطح ۲	در معرض آسیب	زمینه نزدیک برای قبول و تأثیر آسیب (بالقوه القریبه الی الفعل)	مقتضی آسیب و امکان تماس با عوامل آسیب‌زا (از نظر سنی یا محیطی یا شبکه‌های مجازی)
		سطح ۳	امکان مواجهه با آسیب	زمینه قبول و تأثیر آسیب (بالقوه)	قابلیت محیطی یا شخصی برای آلودگی به آسیب

۲. برخی ملاحظات درباره حلقه‌های اصلی و فرعی در چرخه آسیب

الف) باید عوامل را در زنجیره آسیب به دقت تفکیک و شناسایی کرد. امکان خلط میان عوامل آسیب وجود دارد و اهمیت عدم خلط در تأثیر آن بر راهکار است؛ یعنی به اشتباه در تجویز راهکار می‌انجامد.

- خلط میان عوامل آسیب‌زا و آسیب‌دیده: در این حالت عوامل آسیب‌دیده به چشم عوامل آسیب‌زا دیده شده و

به‌جای راهکار درمانی، راهکار تقابلی اتخاذ می‌شود. همچنین خلط میان عوامل آسیب‌دیده معمولی و آسیب‌دیده آسیب‌زا هم مشکل‌آفرین است و در کل نباید میان جنبه‌های آسیب‌زایی و آسیب‌دیدگی در ارائه راهکار خلط شود و در مواردی که هر دو جنبه در یکجا مجتمع شوند باید راهکار ترکیبی اتخاذ نمود.

- خلط میان عوامل آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر؛

- خلط میان سطوح فرعی در هر یک از عوامل اصلی، درنهایت موجب تجویزهای نادرستی می‌گردد؛

- تجویز نادرست ممکن است به تشدید آسیب‌ها بینجامد.

ب) باید عوامل آسیب‌زدا (مقابله‌گر) را از عوامل سازنده چرخه آسیب جدا کرد:

- خلط میان عوامل آسیب‌زا و مقابله‌گر: از بدترین انواع خلط است که طی آن جایگاه عوامل آسیب‌زا و مقابله‌گر تغییر می‌کند و عوامل آسیب‌زا با پشتوانه افکار عمومی و حمایت دولتی و ...، با عوامل مقابله‌گر مبارزه می‌کنند؛ برای نمونه زمانی که آسیب به هنجار تبدیل شود، امکان بروز این خطر وجود دارد و یا در شرایط بدکارکردی عوامل مقابله‌گر و قرار گرفتن عوامل زنجیره آسیب در موضع مظلومیت این حالت قابل پیش‌بینی است. همچنین در شرایطی که خط تبلیغی مؤثر بر مردم جای آن دو را تغییر دهد، برای نمونه در فیلمی، عوامل آسیب‌زدا و آسیب‌زا جابجا نشان داده و جای قهرمان و ضدقهرمان عوض شود یا اشکالات عوامل آسیب‌زا کوچک و اشکالات عوامل مقابله‌گر، بسیار بزرگ‌تر نشان داده شود. وقس‌علی‌هذا.

- باید عوامل آسیب‌زدا شرایطی حداقلی داشته باشند؛ ازجمله این شرایط، عدم حضور در چرخه آسیب، مگر به‌صورت نفوذ و با هدف متلاشی کردن یا تغییر دادن وضعیت از درون زنجیره آسیب.

* آسیب‌دیدگان و آسیب‌پذیران یا در معرض آسیب‌ها صلاحیت کمتری برای حضور در مقابله‌گران دارند.

* باید مراقب نفوذ عوامل آسیب‌زا در مقابله‌گران نیز بود.

- باید عوامل مقابله‌گر سطح‌بندی و سازمان‌دهی شوند؛ زیرا عوامل تشکیل‌دهنده زنجیره آسیب‌ها به کشور ما معمولاً سازمان‌دهی شده است. (رجوع کنید به بیانات رهبری و مسئولان ذی‌ربط در تبیین تهاجم فرهنگی دشمن)

یک ملاک سطح‌بندی مقابله‌گران به قابلیت‌های درونی آنان و تجربه آنان به مواجهه بازمی‌گردد.

ملاک مکمل در سطح‌بندی هم به نوع تقابل ناشی از نوع عوامل زنجیره آسیب بازمی‌گردد؛ یعنی هر مقابله‌گری نمی‌تواند با هر عامل آسیبی، تقابل کند و نیاز به سنخیت در موضوع و تخصص و تجربه کافی در حد سطح مقابله دارد؛ برای نمونه، مقابله با آسیب‌پذیران تخصص و روحیه خاصی می‌طلبد (تربیتی - فرهنگی نه امنیتی و انتظامی و...)

ج) درهم‌تنیدگی آسیب‌ها و پیچیدگی مدل (ارتباط میان آسیب‌ها و لزوم تفکیک عوامل مشترک و مختص میان آسیب‌ها)

هر آسیبی افزون بر عواملی که موجبات بروز آن می‌گردد، آثاری در جامعه دارد که خود به‌صورت آسیب بروز می‌کند؛ بنابراین، هر آسیبی در جامعه همان‌گونه که ممکن است از سوی یک سری عوامل به وجود آید؛ ممکن است نتیجه آسیب‌های دیگری باشد که قبلاً به وجود آمده‌اند و عوامل آن آسیب‌ها از طریق آسیب پیشینی، بر آسیب جدید و بروز آن تأثیرگذاری کند.

تلاش‌هایی صورت گرفته است که مدل خطی ارتباط میان آسیب‌ها ترسیم شود، اما باید دانست که مدل ارتباط میان آسیب‌ها شبکه‌ای بوده و از نوع تأثیر و تأثر متقابل است. البته با تلاش زیاد می‌توان به مدلی دست یافت که دامنه تأثیر آسیب‌ها را بر اساس سنجش وضعیت به دست آورد و با توجه به سهم تأثیر هر آسیب روی آسیب‌های دیگر، مدل شبکه‌ای را از نظر جهت‌گیری روابط میان آسیب‌ها با ظریف دقت بیشتری وزن‌دهی نمود.

۳. ماتریس تجویز و ارائه راهکار برای رفع عوامل آسیب

پس از مرحله شناسایی و توصیف آسیب، مرحله ارائه راهکار و تجویز قرار دارد. برای مقابله با آسیب مانند مرحله شناسایی، نقش مدل‌های چرخه آسیب به‌ویژه مدل جبهه معارض در تنظیم و طبقه‌بندی عوامل آسیب بسیار مهم و اساسی است. از مهم‌ترین اموری که در برخورد با آسیب‌ها باید در نظر گرفت، عدم خلط عوامل آسیب در عرصه واقعی جامعه است؛ برای نمونه برخورد با عوامل آسیب‌دیده غیر از برخورد با عوامل آسیب‌زاست و گاه اشتباه در شناسایی عوامل به خطا در برخورد و در نتیجه پیامدهای زیانباری منجر می‌شود و ممکن است یک عامل آسیب‌دیده تبدیل به آسیب‌زا و یا با یک آسیب‌پذیر معامله آسیب‌دیده یا آسیب‌زا شود که این به نفع جبهه آسیب‌زا است.

برای ارائه راهکار عوامل آسیب، باید ماتریسی را به شرح زیر ترسیم کرد:

اول: برای ترسیم ماتریس شناسایی، ردیف‌های آن را با عوامل آسیب در مدل جبهه معارض تنظیم می‌کنیم که در آن تمام عوامل محتمل مؤثر در بروز آسیب جای گرفته، مدل ذهنی کاملی را تشکیل می‌دهد.

دوم: ستون‌های ماتریس به ترتیب عبارت‌اند از: شاخص وجود عامل در عرصه آسیب (انتقالی از ماتریس قبلی)، راهبرد مقابله با آسیب و راهکار اصلی یا اصل در مواجهه با آسیب است.

در ادامه به بررسی مؤلفه‌های لازم برای شناسایی و توصیف آسیب بر اساس عوامل آسیب در میدان واقعی جامعه پرداخته می‌شود:

الف) شاخص وجود هر عامل: که از ماتریس قبل منتقل می‌شود و پلی میان توصیف و تجویز بوده و جلوی خطا در برخورد با عوامل آسیب را می‌گیرد.

ب) راهبرد مقابله با هر عامل: جهت‌گیری و نوع مواجهه ما را در قبال عامل مؤثر در آسیب نشان می‌دهد.

ج) راهکار اصلی مواجهه با هر عامل: شامل یک اصل عملی در برخورد با آسیب است. اصل عملی به این معناست

که در صورت نبود قرینه‌ای برای برخورد دیگر باید اصل عملی در مواجهه با عامل آسیب دنبال شود. بنابراین برای مواجهه با هر یک از عوامل مؤثر در بروز آسیب و در نتیجه رفع آسیب در چرخه واقعی آسیب، نیازمند مشخص کردن راهبرد و راهکار اصلی مواجهه با آسیب هستیم.

البته این راهبردها و راهکارها عام بوده، شامل هر نوع آسیبی می‌شود، اما می‌توان برای هر یک از آسیب‌های خاص، راهکارهای ویژه‌ای را نیز مرتبط با آن آسیب به راهکارهای مندرج در جدول افزود. در جدول زیر تلاش شده ماتریس مواجهه با آسیب با ردیف‌های عوامل سازنده چرخه آسیب و ستون‌های تجویز در هر یک از عوامل را به تفصیل ارائه نمود.

مدل	عوامل مؤثر	معیار شناخت عامل	راهبرد مقابله	راهکار اصلی
عوامل آسیب‌زا	لایه توجیه‌گر	قالب‌های متنوع تبیین و توجیه آسیب	علمی - فرهنگی	تقابل تنوریک
	عوامل راهبر جبهه معارض	لایه هدایت‌گر	احساس وجود نقشه / وجود اهداف راهبردی / اطلاع از وجود اتاق فکر	شناسایی نقشه راه و اتاق‌های فکر مهاجم و اتخاذ سیاست‌های تدافعی و تهاجمی متناسب
	عوامل هماهنگ‌کننده و انسجام‌گر (ستادی)	بیرونی (بیرون از دسترس نظام)	احساس یا اطلاع از هماهنگی و انسجام میان ارکان آسیب‌زا در بیرون	تقابل ستادی (شناسایی و تأثیرگذاری و آگاهی بخشی و قطع ارتباط ستاد بیرونی با داخلی)
	عوامل میدانی - عمل‌کننده	داخلی (در دسترس نظام)	هماهنگی و سازمان‌دهی میان ارکان آسیب‌زا در داخل	قطع مسیر آسیب و کانال‌های نفوذی آن با محوریت آگاهی بخشی و هشدارهای لازم
	اصلی - بیرونی (بیرون از دسترس نظام)	احساس یا اطلاع از عملیات خارج از دسترس عوامل آسیب‌زا	سیاسی - اطلاعاتی - امنیتی	عملیات اطلاعاتی، انتظامی و قضایی
	ذینفعان عرصه‌های سیاسی/اقتصادی	نگاه کاسب‌کارانه و هزینه - فایده کردن نسبت به آسیب	امنیتی - حقوقی - صنفی	بالا بردن هزینه و کم کردن فایده

چرخه آسیب؛ مدلی جامع برای شناسایی و مواجهه با آسیب‌های اجتماعی

مدل	عوامل مؤثر		معیار شناخت عامل	راهبرد مقابله	راهکار اصلی
عوامل آسیب‌پذیر	آسیب دیدگان	آسیب دیدگی	یکی از معیارهای بالا به همراه رضایت از آسیب دیدگی	برخورد ترکیبی (آسیب‌زا - آسیب‌دیده)	قرنطینه و درمان در کنار برخورد با آسیب‌زایی
		آسیب‌زا یا مستعد آسیب‌زایی			
	آسیب‌پذیران	غیر آسیب‌زا	عدم رضایت از آسیب‌دیدگی	درمانی - تربیتی	بازگشت به جامعه و دوری از آسیب
		در معرض آسیب	مقتضی آسیب و امکان تماس با عوامل آسیب‌زا (از نظر سنی یا محیطی یا شبکه‌های مجازی)	فرهنگی - تربیتی	پیشگیرانه/ مصونیت بخشی

۴. نوعی دیگر از ماتریس تجویز و ارائه راهکار برای رفع عوامل آسیب

با توجه به سطوح عوامل نیز می‌توان راهبرد مقابله را مشتمل بر مؤلفه‌هایی مانند عوامل مؤثر در انتخاب ابزار مقابله، نوع مقابله و هدف مقابله تنظیم نمود که برای نمونه می‌توان این ماتریس را به شکل زیر تکمیل نمود.

عوامل	سطوح عوامل		عوامل مؤثر در انتخاب ابزار مقابله	نوع مقابله	هدف مقابله
آسیب‌زای بیرونی (ارکان جبهه معارض) با رویکرد جبهه معارض	سطح ۱	تقابل فکری	قابل اشراف و مهار	مقابله تهاجمی	کور کردن چشمه آسیب (دفع آسیب از نفوذ)
			صرفاً قابل مهار	مقابله تدافعی	
	سطح ۲	تقابل ستادی	قابل اشراف و مهار	مقابله تهاجمی	حذف / تخریب / جلوگیری از نفوذ
			صرفاً قابل مهار	مقابله تدافعی	
	سطح ۳	تقابل عملیاتی	قابل اشراف و مهار	مقابله تهاجمی	خنثی کردن نفوذ (مصونیت بخشی و واکسینه کردن جامعه)
آسیب‌زای داخلی (شاخه‌های داخلی جبهه معارض)	سطح ۱	خط نفوذ	اصالت آسیب	حذف و خنثی کردن	قطع کردن مسیر داخلی آسیب
			ابزار بودن آسیب	تبدیل به ضد	داخلی آسیب (دفع آسیب نفوذ یافته)
	سطح ۲	سودجو	آگاه	قطع مسیر انتفاع در حد انتظامی قضایی	
			ناآگاه	آگاهی بخشی	حذف / خنثی کردن

عوامل	سطوح عوامل	عوامل مؤثر در انتخاب ابزار مقابله	نوع مقابله	هدف مقابله
با رویکرد مقابله با نفاق و فسق	سطح ۳	آسیب‌دیده	آگاه	تبدیل به ضد / (مقابله گر)
			ناآگاه	
آسیب‌دیده (پیامدهای آسیب) با رویکرد درمانگرانه (طبیانه)	سطح ۱	آسیب‌زا	آگاه	درمان (رفع آسیب) قرنطینه دائمی / یاموقت / درمان / بازگشت به جامعه / پیشگیری از ابتلای مجدد / توانمندسازی /
			ناآگاه	
	سطح ۲	عادی شدن آسیب	زمینه بازگشت کم	درمان و قرنطینه
			زمینه بازگشت بالا	درمان بدون قرنطینه
	سطح ۳	مراحل اولیه آسیب	مواجهه مکرر با آسیب	درمان
			مواجهه ابتدایی با آسیب	آگاهی بخشی
آسیب‌پذیر (جامعه هدف آسیب) با رویکرد پیشگیرانه (فرهنگی - تربیتی)	سطح ۱	مواجهه ابتدایی با آسیب	عمدی	آگاهی بخشی و مشاوره روانی معنوی
			اتفاقی	آگاهی بخشی نسبت به آسیب و عوامل آن
	سطح ۲	در معرض آسیب	از نظر عوامل درونی (تمایل به آسیب)	آگاهی بخشی و مشاوره معنوی و روانی
			از نظر عوامل بیرونی (محیط بر آسیب)	سالم‌سازی محیط
	سطح ۳	امکان مواجهه با آسیب	از نظر عوامل درونی (احتمال تمایل به آسیب)	آگاهی بخشی در حد لازم
			از نظر عوامل بیرونی (احتمال آلوده شدن محیط)	واکسینه کردن محیطی
				پیشگیری و مصون‌سازی از آسیب (منع آسیب) توانمندسازی درونی / بالا بردن تاب‌آوری / پاک‌سازی محیطی دور کردن از محیط آسیب‌زا / واکسینه کردن فردی/ واکسینه کردن اجتماعی با تقویت نهادهای خانه و مسجد و مدرسه و...

جمع‌بندی و پیشنهادها

آنچه در این پژوهش تلاش بر تبیینش بود، لزوم نگاه جامع به عوامل دخیل در آسیب‌ها و مدل‌سازی با محوریت عوامل بروز آسیب‌ها اعم از عوامل فاعلی و قابلی بود که شرط لازم برای ترسیم نقشه راهی در شناسایی و مواجهه با هر آسیب بود. پیشنهادی که ارائه گردید، نیز مدل چرخه آسیب نامیده شد تا نشان دهد که عوامل در ربط با هم و به‌صورت چرخه‌ای به تولید یا بازتولید و تشدید آسیب می‌پردازند.

در این مدل سطوح پایین‌تر مدل شرط لازم برای وجود سطوح بالاتر هستند؛ مثلاً وجود عوامل آسیب‌زا، ضرورتاً نمایانگر وجود عوامل آسیب‌پذیر بالقوه یا بالفعل است و یا وجود سطح راهبر در آسیب نمایانگر ضرورت وجود سطوح ستادی و میدانی آسیب‌زاست، اما عکس این موضوع صادق نیست؛ مثلاً وجود عوامل میدانی آسیب‌زا لزوماً به معنای وجود عوامل ستادی و راهبر نیست.

مدل ارائه شده، مدلی است ذهنی که باید با اطلاعات میدانی، به عینیت نزدیک شود. در این مسیر همان‌گونه که ذکر شد نرم‌افزارهایی وجود دارد که البته کاملاً منطبق با شرایط تحلیل آسیب‌های اجتماعی نبوده، ولی در خلأ یک نرم‌افزار تخصصی برای این منظور، استفاده از آن‌ها مناسب است. در اینجا فارغ از مباحث نظری ارتباط ذهن و عین، قاعده‌ای به‌صورت مفروض لحاظ گردیده که مدل ذهنی بدون اطلاعات میدانی خالی از واقعیت بوده و اطلاعات میدانی بدون مدل ذهنی و قیاسی قابلیت تحلیل نداشته و تحلیلگر را به موضع خطا و دوری از حقیقت می‌کشد؛ بنابراین، هم به چارچوب کلان حقیقت‌نگر نیاز است و هم به اطلاعات خرد واقع‌نگر تا بتوان مدلی ترسیم نمود که در عین حفظ چارچوب‌های کلان، اطلاعات خرد را بازیابی و طبقه‌بندی و در توصیف و تجویز از آن‌ها بهره‌گیری نماید.

نکته قابل‌ذکر این‌که اطلاعات و تحقیقات موجود در زمینه آسیب‌های اجتماعی، سرمایه‌ای ارزشمند است که این مدل درصدد نظم دادن به آن در جهت بهره‌برداری بهینه‌تر از آن است؛ بنابراین، آنچه در این مجال محدود بیان شد در حد مقدمه برای طراحی مدلی کلان و فراتر از هر آسیب مشخص بود که در صورت اصلاح و تکمیل و قرار گرفتن در منظر اصحاب نظر، ادامه مسیر نیز به‌درستی طراحی شود تا بتوان از این مدل برای گردآوری اطلاعات و جمع‌بندی و تحلیل آن‌ها تا رسیدن به توصیفی واقع‌گرا و تجویزی سودمند در جهت آرمان‌های انقلاب اسلامی بهره برد.

پیشنهاد مطالعات تکمیلی

در پایان مناسب است پیشنهادهایی برای ادامه مسیر این فعالیت فکری، عرضه شود:

۱. مدل چرخه آسیب، برای عینیت یافتن نیازمند طراحی گام‌های مواجهه با آسیب‌های اجتماعی است:

الف) اگر طراحی چرخه آسیب را منطق فهم عمومی آسیب‌ها بدانیم، گام‌های بعدی برای رسیدن به مواجهه

عملی با آسیب‌های اجتماعی باید موردبررسی قرار گیرد. برای نمونه باید این چرخه کلان تخصصاً در حوزه هر آسیب ترسیم شود و مراحل زیر را طی کند:

(ب) شناسایی زنجیره عوامل مؤثر در ایجاد یک آسیب خاص (مانند مفاسد اخلاقی جنسی)؛

(ج) انطباق نقشه مفهومی با واقعیت بیرونی (بانظم دادن به اطلاعات بر اساس مدل از طریق توزیع داده‌های واقعی در خانه‌های ماتریس از طریق اتصال نرم‌افزار مربوطه به بانک‌های اطلاعاتی سازمان‌های ذی‌ربط)

(د) طراحی اقدامات بر اساس اطلاعات تنظیم شده و قواعد پیشینی برگرفته از مناسبات تکوینی یا قواعد حقوقی حاکم بر جامعه باشد.

(ه) ترسیم نگاشت زمانی - نهادی با هدف فرماندهی واحد از طریق مدیریت یکپارچه، هماهنگ، منسجم، پیگیر، توأم با نظارت و پاسخگویی به‌ویژه در جرائم سازمان‌یافته و فعالیت‌های منسجم جبهه معارض و یکپارچه آسیب‌رسان.

۲. در بسته‌های سیاستی که برای مواجهه با آسیب‌های اجتماعی تهیه می‌شود باید نقش زمان و مکان را در تأثیر عوامل به نحوی منطقی منظور داشت؛ به‌طوری‌که از یک‌سو باید با آسیب‌ها به‌طور محلی برخورد نمود و عوامل و موانع و ظرفیت‌ها و مقتضیات محلی را ابتدا موردتوجه قرار داد سپس به تأثیرات سایر عوامل غیر محلی در عوامل محلی پرداخت.

مباحث توسعه مشارکتی و توسعه محله‌ای و توسعه منطقه‌ای و سایر مباحث مربوطه از این قبیل ملاحظات است. از سوی دیگر نیز نباید در محلی‌نگری افراط کرد و نباید از عوامل مشترک و فرامحلی به‌ویژه عوامل آسیب‌زا در فضای مجازی غفلت نمود که سهم تأثیر بسیار بالایی دارند؛ به‌ویژه در شرایط کنونی که عوامل تشدیدکننده آسیب‌ها در شرایط دو فضایی، با ضریب تأثیر بسیار بالاتر از قبل نقش‌آفرینی می‌کند؛ لذا در بررسی وضعیت میدانی باید به تمام عوامل محلی و فرامحلی؛ فیزیکی و مجازی، انسانی و ساختاری باید توجه داشت تا سهم تأثیر به‌صورت واقعی و البته به‌صورت زمانمند و مکانمند استخراج شود و مبنای وزن دهی و اولویت‌گذاری عوامل و راهکارها در بسته سیاستی مواجهه با یک آسیب شود.

۳. از آنجاکه مدل کامل چرخه آسیب، متعلق به جبهه معارضی است که دارای عوامل میدانی و ستادی و راهبر و اندیشه‌ورز دارد؛ در مواجهه جامع با آسیب‌ها باید عناصر مقابله‌گر مناسبی به‌تناسب عوامل مذکور، چپش شوند و این چپش می‌تواند از سطح محلی با رویکردی مسجد محور تا سطوح شهری، روستایی، استانی، ملی و حتی فراملی چپش شده و آرایش مناسبی برای مقابله با آسیب‌های سازمان‌یافته ناشی از جنگ نرم دشمن را پیدا کنند. در این رابطه مدل‌هایی در حال بررسی و تکمیل است و امید است به نتایج درخوری دست یابد. الگوی نگارنده در بازآرایی جبهه فرهنگی در برابر جبهه معارض برگرفته از نظریه تسخیر یا

استخدام طرفینی علامه طباطبایی است که در مدلی با عنوان نیاز- ظرفیت سعی در ساماندهی و هماهنگی فعالیت‌های سلبی و ایجابی جبهه فرهنگی را در حوزه‌های تخصصی به‌ویژه مهدویت داشته است. این مدل در صورت عرضه و اصلاح و تکمیل، قابلیت تعمیم برای سازمان‌دهی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در مواجهه با جنگ نرم و به‌طور خاص برای مواجهه با آسیب‌های اجتماعی را نیز دارد.

۴. در تکمیل مدل ارائه‌شده باید به دیگر آسیب‌ها نیز توجه داشت؛ چه‌بسا بروز یک آسیب، تحت تأثیر آسیب‌ها دیگر قرار داشته و خود در بروز برخی آسیب‌های دیگر مؤثر واقع شود و این تأثیر و تأثر نیز خطی نبوده و به روابط شبکه‌ای و دوسویه منجر شود. برای نمونه در بررسی آسیب طلاق در یک محله باید میان پدیده طلاق با آسیب‌هایی مانند اعتیاد و مفاسد اخلاقی و مشروبات الکلی از یک‌سو و آسیب‌های فقر و کودکان کار. از سوی دیگر ارتباط معناداری یافت؛ بنابراین در بررسی آسیب‌ها اطلاعات میدانی حائز اهمیت بالایی هستند و در درجه بعد طبقه‌بندی صحیح آن‌هاست، اما نباید در جمع‌آوری اطلاعات میدانی در رابطه با یک آسیب، از آسیب‌های دیگر غفلت نمود. نگاه جامع به آسیب‌ها زاویه جامعیت مدل را افزایش می‌دهد. ضمناً در مدل ارائه‌شده، مستقیماً به تحلیل میزان تأثیر آسیب‌های دیگر بر آسیب محوری (موردبررسی) پرداخته نمی‌شود، بلکه عوامل مؤثر در آسیب‌های دیگر موردتوجه قرار گرفته و اطلاعات آن در ربط با آسیب موردبررسی در مدل جایابی می‌شود.

۵. باوجود پیچیده شدن این مدل، اما می‌توان راه‌های میان‌بری برای رسیدن به راهکارهای فوری را نیز در نظر داشت و در طرح‌های کوتاه‌مدت، روی مسیرهای میان‌بر تمرکز نمود؛ یکی از میان‌برها که ریشه‌ای هم هست تمرکز بر ترویج اخلاق و سبک زندگی اسلامی است؛ یعنی به‌جای فعالیت‌های سلبی و انفعالی در برابر عوامل آسیب‌زا باید به تقویت ساخت درونی اخلاقی جامعه همت گماشت و این ساخت را در دوره‌هایی که عوامل آسیب‌پذیر کمتر با آسیب‌ها مواجه هستند؛ مانند دوران تحصیل به این قشر منتقل نمود. نقطه مزیت این پیشنهاد، نعمت در اختیار داشتن نسل نواز هفت‌سالگی تا ۱۸ سالگی در دوره آموزش عمومی رسمی است که با تقویت فعالیت‌های پرورشی در مدارس و تقویت بنیه شناختی و انگیزشی این نسل در مدارس از یک‌سو و کیفی‌تر کردن برنامه‌های صداوسیما به‌عنوان یک مرکز آموزش عمومی می‌توان به موضوع پیشگیری توجه به‌سزایی داشت و از جهت اقتصادی و هزینه‌فایده کردن نیز با پیشگیری و تقویت بنیه‌های اخلاقی اعتقادی جامعه می‌توان از هزینه‌ای که در درمان افراد آسیب‌دیده یا مقابله با افراد آسیب‌زا می‌شود، به میزان قابل‌توجه کاست.

۶. در برداشتی که از رویکرد اسلامی به مواجهه با آسیب‌ها وجود دارد؛ نقش پیشگیری اهمیت به‌سزایی می‌یابد. در این رابطه باید انرژی بیشتری صرف زمینه‌های شکل‌گیری آسیب‌ها و آسیب‌پذیران نمود و برخورد با عوامل آسیب‌زا نباید ما را از رویکرد پیشگیری غافل کند و در این رویکرد باید افزون بر توجه به‌مراتب سه‌گانه پیشگیری، باید تمرکز را بر دور کردن افراد و ساختارها از آلوده شدن و مواجهه با آسیب‌ها

مبذول نمود برای نمونه پژوهش‌های خوبی هم در این زمینه صورت گرفته است (در ابتدای مقاله به آن اشارت رفته است)، ولی نباید به این حد اکتفا نمود و باید در زمینه پیشگیری در حوزه‌های تخصصی به‌ویژه در حوزه پیشگیری وضعی از بزه و آسیب باید فعالیت‌های علمی و میدانی تخصصی‌تری با توجه به داشته‌های قبلی صورت پذیرد.

۷. نکته آخر، این‌که توجه به نگاه اسلامی به شناسایی و برخورد با آسیب‌های اجتماعی است. البته این نکته نباید ما را از مزایای تحقیقات دیگران دور کند و باید با توجه به کمال و تمامیت مکتب اسلام، چارچوب بررسی‌ها از این مکتب اخذ شده باشد و ابزارها و روش‌ها با توجه به تحقیقات نوین در این چارچوب مورد مذاقه و بررسی قرار گرفته و از مزایای تحقیقات دیگران در این چارچوب بهره‌گیری شود؛ برای نمونه، زمینه اصلی این پژوهش برای یافتن نگاهی جامع در برخورد با آسیب‌های اجتماعی از دو آیه ملهم گردید که در جای خود بیان شد.

منابع

- قرآن کریم.
- اژه‌ای، جواد، (۱۳۹۳)، *آسیب‌شناسی اجتماعی با نگاهی به ادیان*، چ ۱، تهران: سمت.
- اقلیما، مصطفی، (۱۳۸۳)، *انضباط اجتماعی و نقش آن در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی*، چ ۱، تهران: اسپند هنر.
- اکبری، ابوالقاسم و مینا اکبری، (۱۳۹۰)، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، چ ۱، دماوند: انتشارات رشد و توسعه.
- الوزی دفریت، آنا، (بی‌تا)، *پیشگیری از جرم: تجربه شهروندان در اکناف جهان*، پیمایش مؤسسه تحقیقات بین منطقه‌ای جرم و دستگاه قضایی وابسته به سازمان ملل، ۱۹۹۷، ترجمه علی سلیمی، ترجمه منتشر نشده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۱۴.
- استارک، رادنی و ویلیام سیمز بمبریج، (۱۳۷۹)، «دین، کج‌روی و کنترل اجتماعی»، تلخیص و گزارش از علی سلیمی، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش ۲۲، بهار، ص ۱۷۰-۱۹۴.
- ایوانز، تی. دیوید و دیگران، (۱۳۷۹)، «بررسی مجدد رابطه دین و جرم: اثرات دین، کنترل‌های غیردینی و محیط اجتماعی بر بزهکاری بزرگسالان»، ترجمه علی سلیمی، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش ۲۳، تابستان، ص ۱۷۹-۱۴۲.
- بغیری، علی و هادی تاجیک، (۱۳۹۸)، *کاربرد سیستم‌های استنتاج فازی در مدل‌سازی بی‌ثباتی‌های خاورمیانه*، چ ۱، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- بودون، ریمون و فرانسیس بوریگاد، (۱۳۷۷)، «جرم، بصیرت»، فصلنامه علمی، تحقیقی، اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، س ۷، ش ۱۵ و ۱۶، ص ۳۱-۳۸.

- توحی، عبدالعلی، (۱۳۸۳)، *اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران*، در جمعی از نویسندگان علوم جنایی: مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمد عاشوری، چ ۱، تهران: سمت، ص ۶۱۴-۶۴۶.
- جعفری، نسیم و عذرا اعتمادی و عاصفه عاصمی، (۱۳۹۵)، *خانواده و آسیب‌رسان‌های رایانه و اینترنت (برگزیده همایش خادمان فرهنگ مکتوب)*، چ ۲، اصفهان: یارمانا.
- جعفری روشن، مرجان، (۱۳۹۴)، *مسائل اجتماعی آسیب‌زا (با نگاهی به پیشگیری محله مدار)*، چ ۱، تهران: جهاد دانشگاهی.
- جاکارد، جیمز، جاکوب جاکوبی، (۱۳۹۵)، *مهارت‌های نظریه‌پردازی و مدل‌سازی. راهنمای عملی برای پژوهشگران علوم اجتماعی*، ترجمه دکتر ایرج ساعی ارسی و پرویز صالحی و زهرالبادی، چ ۱، تهران: بهمن برنا.
- چلبی، مسعود، (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظریه نظم اجتماعی*، چ ۱، تهران: نشر نی.
- حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۸)، *جرائم سازمان‌یافته*، چ ۱، تهران: جهاد دانشگاهی.
- خسروشاهی، قدرت الله، (۱۳۹۴)، *مراحل سه‌گانه پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی*، چ ۱، قم و مشهد: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- داوری، محمد و علی سلیمی، (۱۳۹۵)، *نماز و سازوکارهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، تحلیل آیات و روایات اهل بیت بر اساس دیدگاه‌های آسیب‌شناسی اجتماعی*، چ ۱، تهران: ستاد اقامه نماز.
- رزنام دنیس، آرتور لوریسیو و روبرت داویس، (۱۳۷۹)، «پیشگیری وضعی از جرم»، ترجمه رضا پرویزی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۳۲، ص ۱۴۷-۱۷۲.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۸)، *آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران*، چ ۱، تهران: سروش.
- رودولف طوبی، ژاکلین و قمر پیلهور، (۱۳۵۶)، «تعریف نظام گسیختگی اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۲، ش ۳، زمستان، تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران، ص ۱۲۸-۱۳۵.
- سلیمی، علی و محمد داوری، (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی کج‌روی (مجموعه مطالعات کج‌روی و کنترل اجتماعی: کتاب اول)*، چ ۶، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، زمستان.
- سوختانلو، حسین و حامد نظری، (۱۳۹۴)، *مروری بر مسائل اجتماعی ایران، خانواده، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ*، چ ۱، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- شریفی، احمدحسین، (۱۳۹۷)، «اصول روش‌شناختی پژوهش در مطالعات توصیفی آسیب‌های اجتماعی»، دوفصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، دانشگاه شاهد، دوره ۱، شماره ۳، زمستان.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز و مهرآور مؤمنی جاوید، (۱۳۹۳)، *آسیب‌های اجتماعی نوپدید با تأکید بر تئوری‌های زیربنایی و راهکارهای مقابله‌ای*، چ ۴، تهران: آوای نور.

- صدیق سروستانی، رحمت‌الله، (۱۳۸۳)، *آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، چ ۱، تهران: آن.
- علیزاده، مهدی، (۱۳۹۱)، *نقش اسلام در پیشگیری و کاهش بزهکاری*، چ ۲، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، بهمن.
- فرجاد، محمدحسین، (۱۳۷۲)، *آسیب‌شناسی اجتماعی: ستیزه‌های خانواده و طلاق*، چ ۱، تهران: انتشارات منصوری.
- قائم‌مقامی، فرحت، (۱۳۵۵)، *نظام گسیختگی و انحرافات اجتماعی*، چ ۱، تهران: مؤسسه انتشارات روشنفکر.
- کاری‌پو، روبر، (۱۳۸۱)، «*مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه*»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۵-۳۶، ص ۲۶۷-۳۰۴.
- گسن، ریمون، (۱۳۷۶)، «*روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل جرم*»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۹-۲۰، ص ۶۰۵-۶۳۰.
- مرتضوی، نسرین، (۱۳۷۶-۱۳۷۵)، *جایگاه زنان بزه‌دیده در قلمرو سیاست جنایی ایران*، پایان‌نامه ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، قم: مجتمع آموزش عالی قم (دانشگاه تهران)، نیمسال دوم سال تحصیلی.
- میرخلیلی، سید محمود، (۱۳۸۸)، *پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام*، چ ۱، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۳)، *پیشگیری عادلانه از جرم*، جمعی از نویسندگان، علوم جنایی: مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمد عاشوری، چ ۱، تهران: سمت.
- ورسلی، پیت، (۱۳۷۸)، *نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه سعید معید فر، مجموعه علوم اجتماعی (۴)، چ ۱، تهران: تیان.
- ویانو، امیلیانو، (۱۳۷۶)، «*بزه‌دیده شناسی*»، ترجمه نسرین مهرا، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، بهار تا پائیز، ش ۱۹-۲۰.
- Abdel Fattah, Ezzat(1991). Understanding Criminal Victimization:An Introduction to Theoretical Victimology. Canada:Prentice-Hall Publications.
- Boldwin & Bottoms, (1976)(The Urban Criminal. London.
- Downes, David & Paul Rock(1998). Understanding Deviance:A Guide to Sociology of Crime & Rule Breaking. (3d ed). U. S. A:Oxford University Press.
- Siegel, Larry. J(1998). Criminology. (6th. ed.). U. S. A:Wadsworth.
- Wrightsman,L. S, M. T. Nietzel & W. H. Fortune(1998). Psychology and the Legal System. (4th. ed). U. S. A:Brocks/Cole Publishing Company..